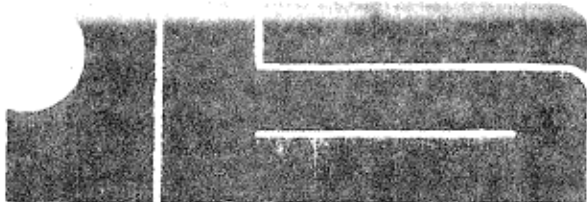


با تمام توان خود ماهیت ارتجاعی جنگ را افشا و با مقاومت مسلحانه خود از مصالح زحمتکشان دفاع کنیم

کارگران و زحمتکشان متحد شوید



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۶ صفحه - ۲۰ ریال

سه شنبه ۸ مهرماه ۱۳۵۹

سال دوم - شماره ۷۸

ماهیت جنگ دولتهای ایران و عراق و موضع ما

داشته باشد، نمی تواند بطور کلی جنگ را محکوم و با آن دفاع کند. بلکه دفاع و با محکوم کردن جنگ دقیقاً "بماهیت و خصلت طبقاتی جنگ بستگی دارد."

کمیونستها باید با بررسی و افشای ماهیت این جنگ صریحاً مواضع خود را در قبال آن روشن کرد و موظفانه نقلاً از سوسیالترانسووالیستی خود را انجام دهند. کسی که بخواهد موضعی برولتاریائی در قبال جنگ

وسیع و منظم درآمد است و این دو دولت تمام منابع، امکانات و نیروهای خود را برای رودروشی با یکدیگر بخدمت گرفته اند. شناخت ماهیت این جنگ و موضع گیری درست و اصولی از سوی کمیونستها دارای اهمیتی بسیار عظیم است.

توسط همان طبقه در حین جنگ ادامه می یابد. تنها شکل عمل تغییر می کند. (جنگ و انقلاب نیستند) اکنون که جنگ دولتهای ایران و عراق ابعاد گسترده تری بخود گرفته و بر خورددهای پراکنده مرکزی بصورت یک جنگ

"جنگ داده سیاست پسما و سائل دیگر است. تمام جنگها از نظامهای سیاسی که آنها را پدید می آورد جدائی ناپذیرند. سیاسی که یک دولت تعیین میکند یک طبقه تعیین در درون آن دولت. بیش از جنگ برای مدتی طولانی اعمال می کند، ضرورتاً

بقیه در صفحه ۲

● نظام اداری حاکم و سیاستهای هیئت حاکمه

تصویب نامه شورای انقلاب در رابطه با کاهش کارمندان "زائد" که بصورت باقیمانده در دستور باز خرید و انفعال از خدمت... و بدنبال آن دستور حجاب اجباری برای زنان کارمند و بالاخره با فاصله کردن ساعات کار کارمندان، مجموعه سیاستهای هیئت حاکمه در مورد سیستم اداری موجود است. اقداماتی که بهیچوجه سخگوی نیازها و خواستههای مردم نیست و بنا بر این لازمست که ما هیئت ایستاد اقدامات هر چه بیشتر برای تودهای مردم افشا شود. اساساً در کشورهایی که سیستم سرمایه داری حاکم است، یک ما نهی اداری همانند ما نهی نظامی برای حفظ موجودیت این سیستم اجتناب ناپذیر و جزئی داتی این سیستم محسوب میشود.

بقیه در صفحه ۱۱

● دفاع از نظام سرمایه داری زیر پوشش "مکتب"

● رئیس مجلس و سیاست خارجی جمهوری اسلامی

● مفتشین جمهوری اسلامی و معلمین مبارز و آگاه

● چند سؤال از "کمیته مرکزی" نامه جمعی از کارگران آگاه و مبارز اهواز

● در برخورد با مسائل گروگانها جاسوسان آمریکائی باید محاکمه شوند

ارسال نامه ۱۸۵ تن از نمایندگان کنگره آمریکا به مجلس شور و در خواست آزادی گروگانهای آمریکائی و با سخولایم و آشتی جویمان مجلس شورا، بدنبال موضع گیری پت الله خمینی که شرايط سهلی برای آزادی گروگانها مطرح کرده بود، یکبار دیگر ماهیت هیئت حاکمه اقدامات آنرا به توده ها نشان میدهد. هر چند تا ماه مجلس شورا و موضع گیری پت الله خمینی که در حقیقت فتح باب و گره گشای مسئله بود، مجدداً مسئله گروگانها را در جامعه مطرح کرد و طرح آن در مجلس بار دیگر از این مسئله در غرور تبدیل نمود، اما تذکر یک نکته در اینجا ضروریست و آن اینکه اگر تسخیر سفارت و گروگان گیری جاسوسان آمریکائی در روزهای اول سرک برنده های بسود کسبه هیئت حاکمه، از جمله سران حزب

● طرح "ارزشیابی کار کارگران" اقدام دیگریست علیه کارگران

- در این شماره:
- اخبار کارگری
 - سو استفاده در ایران ناسیونال
 - پاسخ به سئوالات
 - گزارش روستائی

تتها تسلیح توده ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله با هرگونه تجاوز، و برقراری صلح است

ماهیت جنگ دولتهای ایران و عراق و موضع ما

بقیه از صفحه ۱

برای شناخت عادلانه و بیطرفانه انقلاب و جنگ از حیثی بودن آن باید روشن شود که چه چیز بی باعت و علت جنگ بوده است. کدام طبقات بدان دامن زده اند و چه اهدافی را دنبال می کنند. کسی که بدون در نظر گرفتن خصالت طبقاتی جنگ و ماهیت آن، ارتابتدورد جنگ بطور کلی سخن گوید، یا دچار ماجراجوییهای نارساختنی شده و یا با تخصصات سیاسی ناسیونال شوئیستی عملاً دنبال سرو و صحنه کار سیاسی استهای بوزواری خواهد شد.

بدین منظور لازمست که قبیل از هر چیز خصالت و ماهیت جنگ دولتهای ایران و عراق را روشن کنیم. اگر بپذیریم که جنگ ادامه سیاسی است با وسایل دیگر

و در شرایط دیگر است. پس لازمست که سیاستها را از جنگ پس از جنگ دولتهای ایران و عراق یعنی سیاسی که منحصر به جنگ شد بررسی کنیم. چنانچه سیاسی که از جانب این دولتها پیش از آغاز جنگ اعمال شده در خدمت منافع توده ها و علیه ضد خلق بوده است در آن صورت ادامه این سیاست به شکل دیگر یعنی جنگ با بیطرفی ادامه سیاسی است به شکل قهرآمیز نیز، انقلابی و عادلانه است. اما اگر سیاسی است اعمال شده از جانب این دو دولت سیاسی است، سنگرانه، استثمارگرانه و علیه توده های رنجمکن بوده است، ادامه این سیاست صورت جنگ بیدار صفا انقلابی و غیر عادلانه است.

پس برای آنکه جنگ سیاسی است خارجی ادامه سیاسی است داخلی است و از آنجا که جنگ ادامه سیاسی است و انعکاس سیاسی است داخلی است، پس خصالت جنگ و ماهیت آن اساساً به رژیم داخلی آن کشور بستگی دارد. رژیم ارتجاعی و ضد خلقی عراق که سیاست داخلی آن را دفاع از منافع سرمایه داران و استعمار این کشور تشکیل می دهد. سالهاست که سیاست استثمارگرانه و استثمارگرانه ای نسبت به خلقهای عراق روا داشته است. این رژیم که با کد شب هر روز سر و پایستگی از بیامپریالیسم جهانی امروندهند است اکنون به نفع ناپسند بهورز و زاری و با استعمار این کشور یک رژیم فاشیستی و ارتجاعی در عراق برقرار ساخته و توده های تحت ستم عراق را زیر پر فشار سرکوب قرار داده است.

رژیم عراق توده های کارگران کشور را سرکوب می کند، نیروهای انقلابی و در رأس آنها کمونیستها را اعدام می کند. علیه خلق تحت ستم کرد بسته فاشیستی ترین شیوهها متوسل می شود. تمام سیاسی است داخلی عراق در خدمت بهورز و زاری این کشور و جهت ستم و استثمار توده های رنجمکن بوده است. در عرصه سیاست خارجی نیز همین سیاست را طوسی سالهای اخیر اعمال کرده است. با ارتجاعی ترین رژیمهای منطقه و باطن حسنه و نزدیک برقرار ساخته و اکنون بهترین روابط را با رژیمهای ارتجاعی منطقه نظیر عربستان، اردن، یمن شمالی و شیوخ مرتجع حلیج فارس دارد. عراق را تبدیل به پایگاهی برای ارتجاعی ترین محافل و استعمار سرمایه داران وابسته بزرگ و سلطنت طلبان عراقی ایران کرده است.

رژیم عراق می گوید که با توجه به ما نباید ضمنی و یا صریحاً امپریالیسم، پس از رژیم سرمایه فاشیست یک دولت

برتری طلب را در منطقه حلیج فارس با کد و بیباکی در دست گرفتن، مناطقی استراتژیک در دریا و خشکسختی، موقعیت خود را تثبیت نماید. از سوی دیگر رژیم عراق که در میان توده های آن کشور فاشیستی و فاشیستی است، تلاش می کند با بیباکی و بیگانه سازی و با بیباکی عربی توجه توده ها را از مسائل اساسی منحرف کرده و نارضایتی عمومی را به کارهای انحرافی سوق دهد. از این رو توده های آنجه که گفته شد، نشان می دهد که این جنگ از جانب دولت عراق، جنگی غیر عادلانه و ارتجاعی است.

رژیم جمهوری اسلامی نیز که با سرنگونی رژیم مزدور سابق در ایران استقرار یافته است، از ما فاسد بورژوازی متوسط ایران دفاع می کند. این دولتست علیه عمده توده های خود با بورژوازی بزرگ و امپریالیسم آمریکا حافظ و حامی سیستم سرمایه داری وابسته در ایران است. رژیم جمهوری اسلامی در طی یکسال و نیم گذشته با بکینه بر ارتجاعیهای ستمگر بورژوازی و بیباکی استفاده از اعصاب و اعصاب آنها به استعمار و ستم بر توده ها پرداخته است و به قهر ضد انقلابی علیه آنها متوسل شده است. سیاست داخلی این دولتست در همین مذمت کوتاه با شکار تریبی و جبهی ماهیت ارتجاعی سیاستهای آن نشان می دهد. رژیم جمهوری اسلامی خلقهای کرد، ترکمن و عرب را سرکوب کرده، بحفاظت از سرمایه داران و زمینداران بیباک و بیباکی کارگران و دهقانان در دست رد و سپر و های انقلابی را تحت فشار سرکوب قرار داده و هم اکنون نیز در حالی که با دولت عراق در جنگ است و رستاخا و شهرهای کردستان را بمباران و سرکوب می کند و توده ها را خلع

سلاح می نماید. در زمینه سیاست خارجی نیز روابط خصنه ای با امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی برقرار ساخته و تحت لوای بان اسلام میسم با ارتجاعی ترین جنبه ها نظیر مرتجعین افغانستان، سازمان اسل در لیمن، کمک کرده است. بدین لحاظ اگر سیاسی که یک دولت معین در مرحله پیش از جنگ، در سیاست داخلی و خارجی و سیستم سیاسی خود اعمال کرده است، در حین جنگ نیز ادامه خواهد داد.

دولت جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست و ادامه سیاسی استهای آن شکل دیگری جنگ انقلابی نیست، بنا بر این جنگ از سوی دولت ایران نیز نمیتواند انقلابی و عادلانه ارزیابی شود. دولت ایران مدعی است که دولت عراق نخست جنگ و تجاوز آنرا از خود دفاع می کند و در مقابل آن از خود دفاع می کنیم. دولت عراق نیز بگونه ای دیگر سیاسی است و تجاوز کارانه خود را توجیه می کند و دولت ایران را تجاوز کارانه می نامد.

با عنقا دامای هیچیک از این دو دولت نمی تواند دلیلی بر حقانیت آنها باشد. مسئله بر سر این نیست که کدام یک پیش و بیش از دیگری حمله کرده است، این امر بهیچوجه ماهیت جنگ و حقانیت یکطرف و نیروی تجاوز کار را روشن نمی کند. هر دو این دولتها سیاسی است و تجاوز کارانه در پیش گرفته اند و هر دو از مدت ها قبل خود را برای جنگ علیه یکدیگر آماده کرده بودند. سیاست های داخلی این دو دولت و نظام سیاسی حاکم بر این دو کشور است که ماهیت غیر عادلانه و غیر انقلابی جنگ را از دو طرف روشن می سازد. سوسیالیستهای ما و در رأس آنها

بقیه در صفحه ۱۲



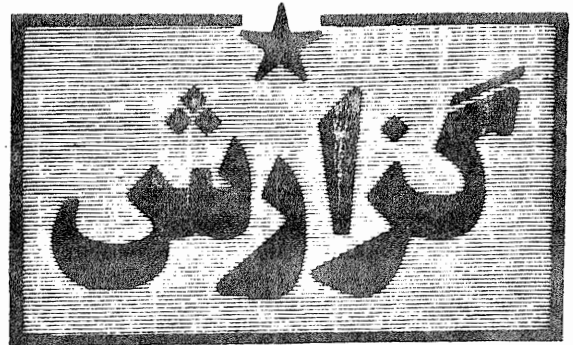
همه میهنان مبارز!

باید با حفظ آمادگی و هوشیاری دائمی، با تقویت شوراهای واقعی، با بسیج و تسلیح توده های زحمتکش، برای حفظ دستاوردهای قیام بهمن ماه و مقابله با تجاوزات نظامی عراق و توطئه محافل ارتجاعی و مزدور امپریالیسم، آماده عمل شویم.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

ت. الف ۱۱

پیشن بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



سوء استفاده برای ایران ناسیونال یا رئیسوایی دولت

اجتماعی اطلاعات

متهمان سوء استفاده بزرگ در ایران ناسیونال ممنوع الخروج شدند

در این روز پس از چوبکهای فدائی ایران رسماً در برودن از هر چه بخواهد تمام شد.

با اینکه وضع آن سوء استفاده بزرگ در طرح کرده و سرشته اجرا نمائند است.

می بینیم که صحبت از یک سایه نیست بلکه صحبت از یک "سوء استفاده" است مسئله را بیشتر بتکافیم: صورت جلوه "در جلسه مشترک شورای کارکنان ایران ناسیونال و کارکنان شرکت سهامی خاص تهیه توزیع قطعات و لوازم بدکی محصولات این سازمان ناسیونال که با حضور نماینده کمیته مام مستقر در کارخانه و نماینده انجمن اسلامی کارکنان ایران ناسیونال و نماینده فدریاست جمهوری روز یکشنبه ۵۹/۶/۱۶ در دفتر شورای کارکنان تهیه توزیع تشکیل گردید تصمصبات زیر اتخاذ شد و با اتفاق آراء مسورد تصویب فرار گرفت.

"همکاران عزیز! بطوریکه اطلاع دارن در روز چهارشنبه ۵۹/۶/۱۲ با خارج شدن مقداری لوازم بدکی از انبار شرکت تهیه توزیع (پسی از بی سابق) در ارتباط با فروش لوازم بدکی از طریق مزایده، تصمصبات گوناگونی بوجهود آمده که لازم میدانم وقایع را بنحوی که اتفاق افتاده با اطلاع همکاران برساند ... ۳ از کلیه همکاران عزیز انتظار دارم همانطوریکه با ما هماهنگی داشته باشند و در هر وقت که بخواهند تصمصبات نامیاد آخذای ناکرده دچار لغزش شد مواضع اسلامی بدور افتیم ... مدیران منتخب دولت آنچه نقل شد بخشی از متن "اطلاعیه شماره ۱" مدیران منتخب دولتست "شرکت سهامی خاص تهیه و توزیع قطعات و لوازم بدکی محصولات ایران ناسیونال" بود که در تاریخ ۵۹/۶/۱۹ صادر شد است و حکایت از وجود تصمصباتی (!) در کارخانه عظیم ایران ناسیونال می کند اما ببینیم واقفیت این تصمصبات چه بوده است: روزنامه اطلاعات شماره ۲۷ شهریور ۵۹ در صفحه اول خود چنین نوشت است "متهمان سوء استفاده بزرگ در ایران ناسیونال ممنوع الخروج شدند" و یک شبکه وسیع این سوء استفاده بزرگ را طرح کرده و به مرحله اجرا گذاشت است."

۱- اجناسی که طی درخواست شماره ۵۹۸۱ مورخ ۵۹/۶/۴ از خارج شد مانند تانکین تکلیف آنها توسط مجمع قانونی و تأیید شورای کارکنان ایران ناسیونال بداخلی آنها برگشت داده شد و دو محافظت اجناس مذکور با کمیته تدوین در ناسیونال ناسیونال خواهد بود.

۲- اشخاص نامبرده زیر: آقایان کرتاش، جلاسر، رحمتی، خان بیگی نهیمی و دوبرهه اساسی علی اکبر گلاب و هادی قادائی که فعلاً در مظان اتهام می باشند تا رسیدگی با تمام آنها از طرف دادستانی کل انقلاب در اختیار کمیته مستقر در ایران ناسیونال خواهند بود (توضیح آنکه این افراد در تاسیس تاریخ ۵۹/۶/۴ توسط هیئت کمیته آزاد شده بودند) ...

۴- شورای کارکنان ایران ناسیونال طی نامه ای به وزارت صنایع و معادن مدیریت آقای مخلص مدیر عامل شرکت را رد کرده و رضایتی هائی را که بوجهود آورده اعلام و تقاضای رسیدگی سریع بنمایند.

۵- شورای کارکنان ایران ناسیونال و شورای کارکنان تهیه توزیع متفقا می خواهند تا روشن شدن مسئله فسرش اجناس مورد بحث اجرائی حکم اخراج قضای خلیجی یکی از نمایندگان شوراپا توجه به نقض شخصی مذکور در افتای این مسئله تاریخ صدور حکم اخراج و شخصی امضا کنند حکم که خود در مظان اتهام است به تعویق افتد ...

شورای کارکنان کارخانجات صنعتی ایران ناسیونال و اداره لوازم بدکی به این ترتیب گاملا روشن شده است که مسئله یک سایه نیست بلکه یک "سوء استفاده" است. اما موضوع مهمتر از اینهاست. ابعاد بسیار عظیم تری دارد در حدیک رسوائی به خیر روزنامه انقلاب اسلامی شماره ۳۵۴ بتاريخ ۵۹/۶/۲۵ در پی حمله افراد مسلح کمیته مدرسه صدر دادگاه ویزا مورد صنفی این دادگاه به حالت تعطیل درآمد. ضمن تعاس با روابط عمومی دادگاه ویزا مورد صنفی، از این مرکز کسب اطلاع کردیم:

در پی دستگیری عده یسی از عوامل سوء استفاده های کلان در فروش انومیل های ایران ناسیونال از جمله آقای مرتضی خویش خواه نماینده دادستانی در ایران ناسیونال که در اصفهان ضمن فرار توسط سپاه پاسداران دستگیر شده بود. در روز افراد مسلح کمیته صدر دادگاه ویزا مورد صنفی حمله کردند و در حالیکه دادگاه مسؤل رسیدگی به سوء استفاده های کلان نمایندگان ایران ناسیونال و همچنین موارد دیگری از سوء استفاده در مورد شرکت های تجاری و تجار عده بود افراد دادگاه را حلع سلاح کردند ...

تصور می کنیم دیگر کاملاً مورد قبول و تأیید باشد که قضیه نه یک سایه، نه یک سوء استفاده بلکه یک رسوائی کامل است آنهم نه یک رسوائی عادی و شخصی و محدود بلکه رسوائی بک دولت - دولتی که تبلیغاتش گوش همگان را گرفتارماست رسوائی دولتی که "غیبر وابسته" است (!) و شنیدنا

در پی حمله افراد مسلح کمیته مدرسه صدر دادگاه ویژه امور صنفی این دادگاه به حالت تعطیل درآمد

ضمن تعاس با روابط عمومی دادگاه ویژه امور صنفی، از این مرکز کسب اطلاع کردیم:

در پی دستگیری عده یسی از عوامل سوء استفاده های کلان در فروش انومیل های ایران ناسیونال از جمله آقای مرتضی خویش خواه نماینده دادستانی در ایران ناسیونال که در اصفهان ضمن فرار توسط سپاه پاسداران دستگیر شده بود در روز افراد مسلح کمیته مدرسه صدر به دادگاه ویژه امور صنفی حمله کردند و در حالیکه دادگاه مسؤل

درگیر مبارزه ... امیرالیستی (!) برسد چرا؟ سایر خریداران که مرحله نایم (۸ سپتامبر ۱۹۸۰ - ۱۷ شهریور ۱۳۵۹) ترجمه شده است توجه کنید: از اواسط اکتبر سال ۱۹۶۷ سه شرکت تولیدکننده اتومبیل (جرال موتور، فورد و کرایسلر) را کمترین بعداً اتومبیل را فروخته بدکار اسلرین از همه شرکتها در تاریخ تجارت آمریکا ضرر کرده است (۲ میلیارد دلار در طول هیجده ماه گذشته) امروزه شرکت فقط به کمک ۱/۵ میلیارد دلار وامی که دولت فدرال آمریکا داداده است سرپا ایستاده است.

ممکن است برسد به سود که چهره ای بی سرب این اعلامیهها و اطلاعیهها و اخبار وجود دارد. پاسخ این است که اولاً:

شرکت ایران ناسیونال به کسبایی عظیم (انگنسال) وابسته است و شرکت هیلن یکی از شرکت های با عبارت ساندنر تصمصبات همین کمسانی کرایسلر است.

تأیید و مقابله با ورشکستگی کمسانی کرایسلر فروش هر چه بیشتر بیکان را سنجند کمسانی هیلن در کشورهای غربی نظیر حمله ایران اسد و حالت این است که نولسد بیکان با همه تجار هم (!) و مشکلات و فشارهای اقتصادی امیرالیستی از جمله آمریکا (یعنی دولت حامی همیسر کمسانی کرایسلر) در طوسی ماههای اخیر به ۳۶ عدد در روز رسید ما است (سالانه ۲۹۶۰۰ عدد که اگر از هر کدام ده هزار تومان سود ببرد سالانه معادل یک میلیارد دو دویست و نود و شش میلیون تومان سود برده است و هر روز نیز همین آقای مخلصی مدیر عامل شرکت (که در شرکت کازرگان هرگز کوتاهی نکرده است و اخیراً تصمصب نفسرا از کارگران را با اتهام اخلاصگری ابراح کرده است) کارگران را سلاخی کش می کند که بخاطر مبارزه با امیرالیسم (!) و مقابله با بحرم تولید را افزایش دهند.

حالا شما در باره مبارزه ضد امیرالیستی دولت "غیبر وابسته" ملی! و مترقی! فضاوت کنید و باور تونسته تانیز در صورتی که ضامع طبقات نشان اجاره هدمی توانند کمسانی مسئله فکر کنند (!).

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است



تحصن زحمتکشان شرکت واحد و پیروزی در تحقق خواسته‌هایشان

بدین سال بخشنامه‌ای که چندی قبل توسط "هندی" مدیرعامل شرکت واحد صادر شد اعتراض کارمندان شرکت واحد آغاز شد. در این بخشنامه سرعتمی را بنندگان و کک را بنده ها تا آخر شهریور و همچنین برخی هفتگی نموده و کسری ساعات کار آنان در هفته، علاوه اضافه کار رسمی را بنندگان و کسری ساعات کار در روزها تعطیل لغو گردیده است.

اعتراض کارکنان شرکت واحد از منطقه ۴ واقع در نای آباد شروع شد و کم‌کم در بخشهای دیگر نیز موج گرفت. کارکنان این شرکت که عرض از زحمتکشان ایران می باشد اعتراضات خود را از اشکال ابتدایی سرافه به صندوق و اعتراضات فردی به این مصوبه آغاز کردند. اما پس از گذشت حدود یکماه سفوی بی بردند که بدون آنها دو تنگین کشیدند از حقوق خود دفاع کنند.

روز سه شنبه ۶/۲۵ را بنندگان و کسری ساعات کارشان را به این شرکت واقع در نای آباد تحصن کردند. خواسته بیا و سطح آنها محسوسور "هندی" مدیرعامل شرکت ورون کردن تکلیفشان بود. لذا بلافاصله به "هندی" تلفن زده و او را در جریان قرار دادند اما او از حضور در جمع امتناع کرد و سعی نمود با وعده وعیدهای بی اساس کارگران را متشن کند اما کارگران همچنان سرخراست خود با فشاری میکردند و میگفتند "تسا" مدیرعامل در اینستا حاضر نشود، اینستا مکان را ترک نخواهیم کرد". بالاخره در ساعت ۵/۳ بعد از نیمه شب "هندی" با چند پسر مسلح در محل حاضر شد. حدس میزند تعداد پسر

عامل بعد از ۵/۳ ساعت انتظار کارگران در آن موقع شب و پس از حضور در جمع بد آنها گفت: "اوبه محض دهستان با زگردن شهید را آغاز نمود. کارگران را که پس از ساعت کار طاقت فرسا در روز، شب و نیم ساعت هم انتظار کشیده بودند صد انقلاب خطاب کرده و هر چه از دهانش میتوانست بیرون آید در سا به حمایت سلاح به ایداران نشان کارگران کرده. کارگران که گاه به صورتان لبریز شده بود و دیگر شوخین های او را نمی توانستند تحمل کنند دیگر به طرف او پیش بردند. اما با پاسداران سا تهراندازی هوا فیلووی کارگران را گرفتند و "هندی" را برای ماهند، روز بعد (۶/۲۶) معده از ساعت ۹ شب کارگران در همان محل جمع شدند. هر این شب را بنندگان و کسری ساعات منطقه ۳ نیز به آنان بیرون شدند. تعداد متخصمین به حدود ۵۰۰ نفر رسید. کارگران در این جمع اتحاد قابل تعجبی از خود نشان دادند. آنها اکنون دیگر علاوه بر لبریز بخشنامه های فد کارگری خواستار رفع طایفه اخراج "هندی" مدیرعامل شرکت واحد بودند. شب دوم نیز تا ساعت ۳ بعد از نیمه شب کسی سرای رسیدگی به خواسته های آنها مراجعه نکرد. کمیته جی ها که در حول و حوالی آنها پوسه میزدند بدلیل نداشتن سپاهای از کارگران نمیتوانستند دیت بسا اقدامی سزیند. تا اینکه حدود ساعت ۵/۲ بعد از نیمه شب برای شربسا - فشاری کارگران را بنندگان بهای مدیرعامل آورد کمیته منطقه هتا رمسک بنام حلالی برای صحبت با مهندسین در جمع حضور یافت. حلالی نیز پس از مقداری مقدمه چینی از آنها خواست که متفسرنی شوبه. اما کارگران با او مخالفت کرده و یکبارجه

کارگران کارخانه "پوشش" خواهان آزادی نمایندگانشان هستند

بدین سال اخراج ۲۵ از نمایندگان شربسورا و کارگران مبارز کارخانه پوشش کیلان، با اعتراض وسیعی توسط کارگران صورت گرفت. محاسبت کارگران از همکاران اخراجی شان آنحضرت با ننگه بود که رژیم جمهوری اسلامی را محسوسر انداخته و با استقرار پاسداران در کارخانه بیلد دیگر حمایت خود را از سرما به دارا و روشنتان را از اتحاد و تشکسل کارگران به نما بسش گذارد. محضی بنصبت این عرابه نیرا کثرت فاطم کارگران مجمع عمومی خود را تشکیل داده و با تصویب قطعنامه ای خواهان تصویب ضروری

هیئت پاکسازی در مورد عطل اخراج همکاران و نمایندگان نشان شدند. همچنین کارگران اخراجی در تاریخ ۱۲/۱۲ عبا صدور اطلاعیه ای ضمن افشای ما هیت هیئت پاکسازی این هیئت راه منظره تلویزیونی دعوت کردند اما دیت اندر کاران رژیم جمهوری اسلامی و بی بسا اوج گیری مبارزات کارگران رو سر و شدند دست به اقدامات جدید زدند. آنها نه تنها به هیچک از خواسته های کارگران توجه نکردند بلکه ۹ نفر را بنندگان کارگران را دستگیر و با اتهامات پو می از قیبل ایداع علیه جمهوری اسلامی آنها را زندانی کردند.

چهره خورده های شناخته شده ای از هنوز طبیعت نظیر این حملات و اقدامات رژیم پیشین در کسوش کارگران از بسن سرفته که رژیم جمهوری اسلامی شکلی دیگر آنها را با آبرویی بود. در این سوز و زاری (به متوسط وجه بزرگ) حق طلبی کارگران همواره اقدام بر علیه رژیم محسوب می شود. نگوشیم تا با همبستگی، تشکل و مبارزه با اینگونه اقدامات ما به نتیجه اهداف ضد کارگری ها کسبت کنیم و همکاران زحمتکشی خود را آزاد کنیم.

تحصن کارگران شرکت صنایع دریایی

اعلام کردند که تا روشن شدن وضعیت آن که اخراج "هندی" و لبریز محسوسات اوست همیشه خواهد شد ما بد، حلالی که کارگران را محسوسر با جدیت و شجاعت خود شلی خودی "دفتسر" ریاست جمهوری و جاهای دیگر صحبت کند. او پس از این نما سپاه از جانب مقامات دولتی به کارگران قول داد که فردا یعنی روز بیست و هفتم شهریور "هندی" عونی شود و بالاخره کارگران در ساعت چهار و نیم جمع با موفقیت تحصن را ترک کردند و یکبار دیگر ثابت کردند که کارگران بسا اتحاد خود قیا در خواهند بود. خواسته های خود را متحقق نمایند. راسته ها، کسکسکس زاننده ها و بنام کسی زحمتکشان آگاه شرکت واحد سفوی شیدا شدند که این اولین گام در جهت تحقق خواسته ها نشان بوده و همواره طولانی در پیش دارند که ساید همسان با رو درباروی بنگد دیگر متحدا به پیش روند.

مشاور سیاسی استاندار به جمع کارگران آمد و اظهار داشت که "تحصن در موفقیت فعلی عملی ضد انقلابی است" اما کارگران که در طول مدت بعد از قیام، به خوبی در یافته اند چگونه کار فرمایان و دولت حامی آنان، این موفقیت فعلی و تحسان را بسا نه ای کرده اند برای حفظ سرما به داری و متلانی کردن مبارزات سرخ کارگران، بسا شنیدن حرف مسلمان سیرانی استاندار، او را هو کرده و از جمع خود راندند. در ضمن کارگران نسای و جد شرکت ساختمانی و محله های کارگرنشین ما بنسند طبع آباد و... از تحصن کارگران شرکت صنایع دریایی حمایت کردند.

۳ ساعت کار در هفته خواسته همکاران است

طرح ارزشیابی کارگران اقدام دیگریست علیه کارگران

دروغگویان وعواد فریبان حافظه‌اند

در رابطه با سندی که کار ۷۱ از محمد علی رجائی بعنوان سهامدار شرکت ساختمانی اهداف انشاء نمود بر روزنامه مصبوری اسلامی در تاریخ یکشنبه ۱۳۵۹/۶/۹ دما میگذرد که شرکت اهداف بمسطور فعالیت سیاسی و آموزشی تاسیس شده است این سوال برای خواننده موجود می‌آید، در حالیکه سند مندرج در کار ۷۱ مربوط به سال ۱۳۵۸ می‌باشد، آیا در این رژیم آقا یان مصبور هستند که برای فعالیت‌های سیاسی خود پوشش تجاری داشته باشند؟ این آقا یان که خود در راس حکومت قرار دارند برای چه کسی مخفی‌کاری می‌کنند؟ این مخفی‌کاری برای فریب تسوده‌های زحمتکش است تا به ماهیت واقعی آنان پی نبرند. اما تاریخ از اینگونه غریبی‌ها زیاد بخود دیده است.

تتشکیل میشود، حتی اگر ناپند، واقعی کارگران شرکت داشته باشد ناپندگان کارفرما در اکثریت بود موضوع است که این کمیته بدین جهت که تردیدی هموارها نایب کارفرمایان را خواهد گرفت. بدین ترتیب ارزشیابی کارگران بی شک نه در خدمت افزایش دستمزد کارگران (حتی بر اساس معیارهای گذشتی فوق) بلکه بر اساس منافع کارفرمایان تنظیم خواهد شد.

میزان تولید در واقع با نشان دادن میزان علاقه به کار میتوان به اضافه دستمزدی رسید. دیگر چه ضرورتی دارد که به اعتصاب و اعتراض کارترسانا وادار بپردازد بخش ناچیز دیگری از حقوق نهائی بدهد؟ بدین ترتیب کارفرمایان به خیال باطل خود در آینده با وجود اعتصاب شکنانی که گول فریبکارهای آنها را خورد مانند بومعد موید آنان دلخوش گردانند، خواهند توانست با ایجاد تفرقه و دودستگی بین کارگران با خیالی آسود و تر با ستفاد از نشان مشغول گردند! شورای انقلاب کوشیده است در نه تودمهای کارگران توهم را ایجاد نماید که گویا کارفرمایان خود با میل و رغبت به افزایش دستمزد کارگران همت میگذارند دیگر به "سروصداران" ناخشنود نیازی نیست. باید مرتب بود و اگر کسی خواست اعتراضی نماید باید به اساس مسئولیت مانع آن شد تا تولید افزایش یافند و در نتیجه در آخر سال هم شاید دستمزد افزایش یابد!

اما حال بهتر از این موضوع چگونگی و نحوه ارزشیابی کارگران است. بر اساس طرح تصویبی شورای انقلاب کمیته‌ای متشکل از سرپرست مستقیم کارگر، نماینده مدیریت و نماینده کارگران به ارزشیابی کارگران میپردازند. همه کسانی که پیشان یکبار به کارخانه رسیده‌اند میدانند که سرپرستان، تازه نمایندگان مستقیم مدیریت (در واقع کارفرما) می‌باشند و در نتیجه در کمیته‌ای که بدین ترتیب

محمول کار و از بین رفته باشد، که زحمتکشان بدانند برای خود و برای بهبود زندگی اکثریت عظیم تولید کنندگان جامعه کار میکنند نه برای فلتی زالسو صفت. "علاقه به کار" بازناب خود را در گوشه‌های افزایش "میزان تولید" و احساس مسئولیت کردن در این مورد نشان میدهد. واضح است که معیار علاقه به کار برای انتخاب شده که کارگران به علاقه مند و با میل و رغبت و با احساس مسئولیت به افزایش میزان تولید بپردازند و در واقع برای هر چه بیشتر شدن جهت سرمایه‌داران بیشتر احساس مسئولیت نماید. هر کارگر اگر آگاهی میداند که کنترا بخش از ارزشی که توسط کارگر تولید میشود بعنوان دستمزد به پرداخت می‌شود نه همان، مانع از افزایش تولیدی بصورت ارزش اضافی بر سرمایه‌افزوده می‌شود. فو به تر شدن هر روزه سرمایه‌داران و افزایش سرمایه و زمین سرمایه‌ایان چسبزی نیست جز نتیجه نداشتن شدن همین ارزش اضافیها. پس هر چه تولید بیشتر باشد آنچه که نصیب سرمایه‌داران میگردد نرخ بیشتر ارزش اضافی و آنچه که به کارگران تعلق میگردد استثمار بیشتر است. به زبانی ساده تر در جامعه‌ای که در آن روابط تولید سرمایه‌داری حاکم است هر چه کارگر بیشتر جان بکند سود بیشتری برای کارفرمایان فراهم ساختن و بنا بر این انتخاب معیار "میزان تولید" برای تعیین و احیاناً افزایش دستمزد یعنی اینکه کارگر تمام هستی خود را برای پر کردن هر چه بیشتر گیسوا ستفاد کارگران فدا کند.

با کمی دقت در نقل قولهای فوق متوجه می‌شویم که اساس این طرح از سه جز بهم پیوسته و مکمل تشکیل شده است. این سه جز عبارتند از: ضوابط و معیارهای ارزشیابی کارگران، ارگان ارزشیابی کننده و نحوه ارزشیابی. بر اساس طرح تصویبی شورای انقلاب با توجه به مطالب عنوان شده از سوی معاون وزیر کار و روستا می‌شود که معیارهای انتخابی برای ارزشیابی کارگران عبارتند از: علاقه به کار، میزان تولید، احساس مسئولیت و مرتب بودن. آیا یک سرمایه‌دار برای ارزشیابی کارگر "برداگشتی" معیارهایی بجز این در نظر میگیرد؟ آیا انتخاب این معیارها نشان نمیدهد که شورای انقلاب تنها منافع سرمایه‌داران را مد نظر داشته است؟ به بررسی هر یک از این معیارها بپردازیم؟ برای معیار کارگر و روستا زحمتکشان روشن است که تا زمانیکه نظام سرمایه‌داری وجود دارد، تا زمانی که حاصل دسترنج کارگران منطبق به سرمایه‌داران و یا دولتهای حامی آنهاست، علاقه به کار نمیتواند وجود داشته باشد. بهنگامی از کار مولود نظام سرمایه‌داری است. سرمایه‌داران و عوامل آنها همواره کوشیدند تا کما حد امکان کوشش در بلندگوهایی تولیداتی خود در مورد "علاقه به کار" برای کارگران نوحه سرانی کنند. لیکن آنان که شیره جان در پای دستگها و ماشین‌ها بیکساختند مفتخوران استقامتگر سرازیر می‌شود خوب میدانند که علاقه به کار نیز خود سرمایه‌داران برای فریب کارگران و استثمار هر چه بیشتر آنهاست. چگونه در شرایطی که حاصل دسترنج کارگران به جیب سنتی سرمایه‌دار سرازیر می‌شود و کارکنان و سلفه‌نگران زندگی است (نه نخستین نیاز زندگی) علاقه به کار می‌تواند وجود داشته باشد؟ تنها زمانی زحمتکشان می‌توانند به کار علاقه مند باشند که جدائی بین کارکنان و

شورای انقلاب، هر واپسین روزهای حیات خویش بسا تجله دست به تصویب قوانین صدکارگری نظیر فوسود و پوزنه مانون شوراها، تعیین حداقل دستمزد کارگران کشاورزی و... رد تا برآورده فعالیت یکساله به خود را تکمیل نکرده‌اند. اخیراً از طرف معاون وزیر کار و امور اجتماعی، طرح قانونی ارزشیابی کارگران مصوبه شورای انقلاب به تصویب این طرح که گویا در فروردین ماه گذشته تصویب شده تاکنون مسکوت مانده و اکنون با توجه به جو سیاسی جامعه برای اجرا به کارخانجات فرستاده شده است. دکتر ستاری معاون وزیر کار در مصاحبه‌ای با خبرنگار کیهان در تاریخ ۹ شهریور ماه اعلام کرد: به موجب ماده‌ای که به تصویب شورای انقلاب اسلامی ایران رسیده است افزایش دستمزد کارگران بر اساس ارزشیابی، کارگزی و سنجش کارگران صورت میگردد. این ارزشیابی در هر سال در خصوص انجام میگردد و بوسیله کارگزی کارگران - سنجید میشود و این سنجش در تعیین میزان افزایش دستمزد کارگران در آخر هر سال دخالت داده نمیشود. وی در مورد چگونگی اجرای طرح ارزشیابی گفت: در هر کارخانه کمیته ارزشیابی سرپرست مستقیم کارگران، نماینده کارگران و نماینده مدیریت تشکیل میشود. کمیته مذکور کیفیت کار کارگران را مورد ارزیابی و ارزشیابی قرار میدهد و به هر یک از عوامل نظیر میزان علاقه به کار، میزان تولید، احساس مسئولیت و مرتب بودن امتیازی تعلق میگردد. پس از جمع کردن امتیازها عددی که بدست می‌آید ملاک و معیار افزایش دستمزد کارگر در آخر هر سال می‌باشد. بررسی مختصری در طرح فوق به روشنی اثبات می‌نماید که شورای انقلاب گهباداد و فغان از حقوق مستحقین دم می‌زد به فریب توده‌ها پرداخت و عملاً به جیب خرد خد متنگاری به روز واری نقش نداشت است.

در برخورد با مسئله گروگانها

جاسوسان آمریکائی باید مدعیان گمراه شوند

جمهوری اسلامی به بهترین وجهی برای تثبیت موقعیت منزلت خویش در آن هنگام از آن استفاده کردند، امروزه وضع از همه جهت متفاوت است، آن روز آن توانستند با گرفتن رهبری این حرکت، نقاب ضد امپریالیستی بحیره خود زده کنند اما امروزه گمانها چنانند که ادعاهای خود بگذرند میخواهند بصحوی مسئله را با دستمالی نماند، آنها اینبار ناچارند برای ادامه دادن اذهان توده در پی دادن جاسوسان آمریکائی با صحنه سازی در مجلس شورا و انجام تخطیهای بر طبقه شکاری و بی محتوا جو تخصصی ایجاد کرده، تحقیق توده ها را از طریق دیگری به پیش ببرند ولی خود نیز میدانند که دیگر حجابان رنگی ندارد.

الینماز ابتدا معلوم بود که تسخیر سفارت آمریکا و گروگان گیری جاسوسان آمریکائی

نمی توانست برای مدت طولانی دوام یابد، در همین حال مسلم بود که در پی این اقدام علاوه بر اهدافی که حزب جمهوری اسلامی جهت تثبیت نفوذ سیاسی داشت و در تخریب (فصل مربوط به تسخیر سفارت) مصلحت با برداشتن، مسئله تخصصی کردن نحوه مبارزه با جاسوسان سیاسی ایران و آمریکا مطرح بود، این امر در تمام مذاکرات مربوط به رفع بحران روابط بین ایران و آمریکا در نظر بوده است، چهارم آنرا تکلیفی صدری پریات جمهوری انتخاب شد مسئله رفع بحران نخست عنوان حل مسئله گروگانها معلق بود و تا زمانی که شرایط طرفین پیشنها کردند یک گمراه عطفی آن بصورت تشکیل کمیسیون نظری گورت و آلهایم دبیرکل سازمان ملل که ما مورس و سگی به

جنایات شاه و امپریالیسم آمریکا بود منتهی شد، اما افشاگری نیروهای مترقی، فشار توده ها و پیگیری آنها در مبارزه با مسئله امپریالیستی و بطور کلی جاسوسان هر چه جا ز متوافق بقان ها را نداد و کمیسیون گارشی را تیمسار گداز دست و رفت، آگسین آنچه مشخص است اینست که سر سرتیپ خود را در دو بیست و سه مرتبه نظرات طرفین "بهم نزد یکتر شد و هر گاه نشان هم نسبت بهم مخطا نظر نگرییده است، تعدادی نیست که نامه ۸۵ نماند مگر ما آمریکا بمبار بود با نمودن تا تنظیم میشود و ما هم ما پندگان مجلس شورا علیه غم لحن تند هسری و شعار گویان، نوم و شنی چنان است، به ما پندگان کنگر ما آمریکا چنان برخورد میدهند که گویا آنان فرشتگان معلوم میگردد که هستند که تنها در جنایات دولتهای آمریکا در کشورها و تسکیر کنگر و سفیران جهان نقشه میزنند بلکه حتی از این جنایات اطلاعی هم ندارند! لحن نا منظوری است که چنین بر می آید، گفاز دست دولت های گذشته حال آمریکا نود این زمان پندگان کنگر شکایت می کنند که آنها بر ما چنین و چنان کردند و شما دادگران باید یکبار از این پیدا دگران بستانید، در عین حال در این نامصنبت سه دولت کمونی آمریکا یعنی گارتو بسیار نرم برخورد شده و این امر برخلاف شعارهایی است که در گذشته چنانچه متوسط آیت الله خمینی و چه توسط تمام سران حزب جمهوری اسلامی و سورداران حکومت علیگارتو داده میشود، در این نامصنبتگان مجلس شورا "قبول سیاست عقل و درایت" از جانب دولت گارتو پذیرفته شده و در دست برداشتن از لجاجت و عناد دبا

طاعت ایران و انقلاب اسلامی را راه رسیدن به محل بحران در روابط ایران و آمریکا دانستند، گویا بر عمق پندگان مجلس شورا این ما هیبت امپریالیسم جهانخواه آمریکا نیست که برای غارت ملت ها به مقابله با آنها می پردازد بلکه بی امرناش از نهادن استین عقل و درایت "است اما جانی کلام نامه در بند آفرینست گمراه بطور مشخص عاکی از بازگذاشتن راه برای حل مساله است

وقتی هسرت عمای قوم از آیت الله خمینی گرفته تا سران حزب جمهوری اسلامی و رئیس جمهور تکلیف گروگانها را در اختیار مجلس گذاشتند، مجلس هم شرایط "حل بحران" را در این بند آفرینست گمراه است میتوان چگونگی بهم آوردن سروتفصیه "تسخیر سفارت" و گروگان گیری جاسوسهای آمریکائی را هم اکنون بروشنی مطالعه کرد، بهینیم نام پندگان مجلس شورا شرایط "رفع بحران" را چگونه تعیین گرداند، آنها در پایان نامه خطاب به ما پندگان کنگر ما آمریکا می نویسند:

"آقایان! شما میخواهید در این راه بطور مثبت قدم بردارید و علیه عم تمام گرفتارهایمان بررسی خسارت های ناموسی از عملکردهای گذشته دولت آمریکا و مطالبات حقه ایران، بازگردانیدن اموال شما به دستگانترا در دستور کار فوری خود قرار دهید و برای آن سریع ترین و بالاترین اولویت ها را قائل شوید. در این صورت است که راه برای حل بحران باز خواهد شد."

پایین ترتیب شرایط "حل بحران" و آزادی گروگانها بطور خلاصه، بازپس دادن اموال شاه (اگر اموالی در آمریکا مانده باشد) یا دادن اموال بسیار کمی امتیازات اقتصادی وسیع سیاسی عنوان شده است.

چندی بعد آیت الله خمینی

در پیام خود به اکثرین حسیح، شرایط آزادی گروگانها را از این هم سهل تر مطرح کرد، شرایط آیت الله خمینی عبارتست از "بازپس دادن اموال شاه معدوم بولفوت تمام ادعاهای آمریکا علیه ایران و ضمانت عدم دخالت سیاسی و نظامی آمریکا در ایران و آزادی داشتن تمامی سرمایه های ما (ایران)" از بررسی و در فرمول بندی فوق که شهادت بسیاری بهم دارند (والبنه نظر آیت الله معتبرتر است) چنین بر می آید که اولاً ما گمراهانگانه مطرح نیست و تا آنها علاوه بر اموال شاه (بعنوان یک مسئله حیثیتی برای ایران) عدم دخالت سیاسی و نظامی در امور ایران و آزادی داشتن سرمایه های ایران که پس از تسخیر سفارت از جانب آمریکا توقیف شده اند مورد تخاصم ایران است. این نتایج که خلاصه نظرات مجلس است برای آمریکا نیز قابل توجه و قابل قبول است و از همین روست که همما آنها زروند قضا با خونخالی ونسبت بقا پند "خوشیمن" هستند، حتی رنگانگاندی حزبی جمهوریخواه با اعلام کرده است پیشنها ذات آیت الله خمینی قابل قبول من است فقط اشکال کار اینست که برای پاسخ گردانیدن اموال شاه باید نگاه های آمریکا تصمیم بگیرد! و اخیراً کار ترا اعلام کرده است "موتوران دولتی وجود دارد و آیت الله خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران رئیس خواهنتهای خود را مشخص کرده اند از اینرو وضاع بهتر شد تا است "و همچنین گفته است "موافق است که نکات است ایران در یک مجمع قانونی بین المللی مطرح شود.

پایین ترتیب تمام شواهدی فراهم می آید که این نیست که اگر جوانی که "بحران گروگان گیری" به آنها با نشی نزدیک میشود و مبارزه

● **گفتا بهای در دست ترجمه**

★ آموزش و پرورش - لنین

★ مبارزه برای مارکسیسم و افشا، انحلال طبان - لنین

★ سه عقاله در باره چین - لنین

★ با کونیست هاد در عمل - انگلس

★ زندگی نامه باوشکین

★ دو خط در انقلاب - لنین

مبارزه ضد امپریالیستی جدا از مبارزه برای دموکراسی نیست



رئیس مجلس و سیاست خارجی جمهوری اسلامی

هفته پیش، هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی و یکی از بالاترین مقامات رهبری حزب جمهوری اسلامی، گفتگویی با سفیر پاکستان داشت که بسیار مهم و جالب بود. سخنان هاشمی رفسنجانی در این گفتگو بازتاب دیگری از ماهیت ارتجاعی و ضدانقلابی سیاست خارجی حکومت جمهوری اسلامی ایران است.

روزنامه جمهوری اسلامی ایران (پنجشنبه ۲۷ شهریورماه ۱۳۵۹) در یک مطلب خبری تحت عنوان "خدا حافظی هفته پیش، هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی و یکی از بالاترین مقامات رهبری حزب جمهوری اسلامی، گفتگویی با سفیر پاکستان داشت که بسیار مهم و جالب بود. سخنان هاشمی رفسنجانی در این گفتگو بازتاب دیگری از ماهیت ارتجاعی و ضدانقلابی سیاست خارجی حکومت جمهوری اسلامی ایران است."

سفیر پاکستان از حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، می پرسد: "سفر پاکستان ضمن تریک انتخاب ایشان به ریاست مجلس اظهارداشت مردم دولت پاکستان از آغاز انقلاب اسلامی ایران آنرا تایید نموده و تا حد امکان در رفع نیازهای دولت ایران کوشیدماند ولی متأسفانه در رسانههای جمعی ایران مطالبی علیه پاکستان مطرح میشود که فکر میکنم برای دوستی دو کشور مسلمان مفید نباشد و ایمن خواست واقعی ما نیست."

حال ببینیم پاسخ هاشمی رفسنجانی، هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی و یکی از بالاترین مقامات رهبری حزب جمهوری اسلامی، گفتگویی با سفیر پاکستان داشت که بسیار مهم و جالب بود. سخنان هاشمی رفسنجانی در این گفتگو بازتاب دیگری از ماهیت ارتجاعی و ضدانقلابی سیاست خارجی حکومت جمهوری اسلامی ایران است.

رفسنجانی، هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی و یکی از بالاترین مقامات رهبری حزب جمهوری اسلامی، گفتگویی با سفیر پاکستان داشت که بسیار مهم و جالب بود. سخنان هاشمی رفسنجانی در این گفتگو بازتاب دیگری از ماهیت ارتجاعی و ضدانقلابی سیاست خارجی حکومت جمهوری اسلامی ایران است.

سفر پاکستان از حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، می پرسد: "سفر پاکستان ضمن تریک انتخاب ایشان به ریاست مجلس اظهارداشت مردم دولت پاکستان از آغاز انقلاب اسلامی ایران آنرا تایید نموده و تا حد امکان در رفع نیازهای دولت ایران کوشیدماند ولی متأسفانه در رسانههای جمعی ایران مطالبی علیه پاکستان مطرح میشود که فکر میکنم برای دوستی دو کشور مسلمان مفید نباشد و ایمن خواست واقعی ما نیست."

حال ببینیم پاسخ هاشمی رفسنجانی، هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی و یکی از بالاترین مقامات رهبری حزب جمهوری اسلامی، گفتگویی با سفیر پاکستان داشت که بسیار مهم و جالب بود. سخنان هاشمی رفسنجانی در این گفتگو بازتاب دیگری از ماهیت ارتجاعی و ضدانقلابی سیاست خارجی حکومت جمهوری اسلامی ایران است.

شده در رسانههای مبین سیاست رسمی جمهوری اسلامی ایران نیست در ادامه این دیدار حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی اظهار داشت به همت شدت تفری که مردم ایران از آمریکا دارند هرگونه نزدیکی و همکاری با آنها فوایدشان نیست و طبعاً با وجود جو آزاد ایران موضع در این جهت مشخص میشود. مثلاً "موضعی که رهس کشور شما بمکود تاگران نظامی ترکیه تریک گفت مسلماً این عمل نمی تواند بدون انعکاسی در رسانهای آزاد ما باشد.

این سخنان گویا بار هاشمی رفسنجانی بجهت سیاست بدین معنات کف اولاً: سیاست جمهوری اسلامی ایران نسبت به حکومت ضیاء الحق سیاست همراهی و همکاری با آن حکومت در منطقه است. ثانیاً: موضع رسانهای نسبت به حکومت پاکستان، موضع رسمی حکومت جمهوری اسلامی ایران نیست بلکه نشانده "آزادی اظهار عقیده" و بیان "می باشد" زیرا حکومت جمهوری اسلامی ایران در عمل نشان داده که هیچگونه اعتراضی به حکومت پاکستان هنگامیکه ضیاء الحق "به گود تاگران نظامی ترکیه تریک

منتشین جمهوری اسلامی و...

بکارند و اعتقادات سیاسی و ایدئولوژیکی بر بیرون بکشند بلکه همچنین می خواهند که دوستان و آشنایان مبارزان ما را نیز شناسائی کنند:

- چهار دوست نزدیک خود را معرفی کنید.
- قبل و بعد ارقام، از دوستان و آشنایان شما کسی در زندان بوده؟ نام ببرید.
- برای منتشین جمهوری اسلامی شناسائی دوستان و آشنایان طم با زکافی نیست. همچنین سنی خواهد همدگر از مبارزان اداری و رانندگان سبدها به تمهید دقیق تر اینک ما می خواهیم که گفت جاسوس را بیا که دهنی

در رابطه به دعوت برای پاکسازی، معلمین خواستند برای هماهنگی با هم جلسهای داشته باشند، آیا شما هم برای این جلسه تلفن شد؟

- چه جشنها و مراسمی در مدرسه می گرفتید، چه کسانی آنها را ترتیب می دادند؟

- چه معلمینی عضو شورای مدرسه بودند؟

(ضمن اسم بردن چند تن از شاگردان، پرسید فاند) اینها را می شناسید؟ چه فعالیتهایی دارند.

- معلم های مدرسه چه هستند ایدئولوژیهای دارند؟

این صحنه های مفتضح برای چه اجرامی شوه؟ این پیام آوران دروغین رهائی بشریت، آیا با چنین شیوههایی میخواهند نه تنها با بهای لوزان حاکمیت خود را در ایران استوار کنند بلکه حتی "حکومت جهانی مسیحی" را نیز برپا دارند؟ رژیم جمهوری اسلامی، پس از کشتن حربه های شناخته شده فریب و بهمان و دروغ و تحقیق از اینکه می بیند که سوئم کارگران و افتخار جنگس جامعه، هر روز

بیشتر فرو میزند، تمام نقابها را بکناری زد و شمشیر را بپوشته است تا بحال خود، با ایجاد جو خفقان و اعمال فشار و سرکوب باز هم بیشتر و مستقیم تر جلورشده آگاهی توده ها را بگیرد و عصر حاکمیت خود را قدری طولانی تر کند. رژیم جمهوری اسلامی چنان به سیم آخیزد که حتی چنان اساسی ارتجاعی خود را نیز نگذارد مال گرد ما است.

با توجه به ماهیت طبقاتی و عطلکرد ۱۹ ماهه رژیم جمهوری اسلامی می توان پیش بینی کرد که سیاستهای سرکوبگران، با زیر و بم هائی، نه تنها در مورد کارگران بلکه همچنین در مورد اقشار هر چه وسیع تر از حمنگان، و از جمله معلمین حمنگش، همچنان ادامه خواهد یافت. اینک رژیم چه میخواهد (و در این نوزده ماهه خواست خود را علاسان داده) فقط یک طرف قضیه است ولی آن بهمنش تمهید کننده دارد عکس العمل کارگران و سایر حمنگان است. آنچه می تواند بشود اما تمهید کننده دانسته "محاسبات" و دسیسه های یکم تحلیلات حاکمیت را نقش بر آب کند، سبک کارگران

پیر و زباد مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران

دفاع از نظام سرمایه داری زیرپوشش "مکتب"

آقای نخست وزیر چنانچه پیش در یک گفتگوی اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری پارس گفت:

یک سری توقعات کسب ادب در جامعه درست شد موهبت در انتظار است. ما از این نظر کارمان خیلی مشکل است. باید این حرکت را هر چه زودتر به حرکت ایدئولوژیک برگردانیم. ما آنکه جامعه به سرعت منتظر است ما مسائل رفاهی را مطرح کنیم این را خط صحیح نمی دانم ما آنقدر که مکتب هستیم، نگران کم و زیادتی بر نغال و انگور هستیم. در رژیم گذشته این چیزها تا مین نبود. ولو از خارج هم آنها را می آوردند، ولی آن چیزی که مطرح نبود مکتب بود، ولی ما بدنیال مکتب هستیم (جمهوری اسلامی ۵۹/۶/۲)

آقای نخست وزیر نگیزان از رشد ناراحتی مردم و ناتوانی از پاسخگویی به مسائل مبهم بود. این برنامه عاجل را در دستور کار خود قرار داد. اما است که هر چه زودتر تمسیر مبارزات و خواسته های توده ها را بکشد. گانهای بیسوفانی بکشاند تا شاید بتواند رژیم جمهوری اسلامی را از بحران حادی که اکنون با آن روبروست، نجات دهد. اما عملگر جمهوری اسلامی بیروشنی نشان می دهد

سرمایه داران وابستگان سنتسار میشدند. آنان از ابتدائی ترین حقوق سیاسی و صنفی محروم بودند. هر روز کسبه میگذاشت قدرت خرید کارگران کاهش می یافت و زندگی برای آنها بیش از پیش سخت تر و سخت تر میشد. دهقانان نیز از طریق شرکت های تعاونی، بانکها، شرکت های سهامی زراعی، ورود محصولات کشاورزی مشابه کشورهای امپریالیستی و... تحسنت شدیدترین فشارهای بورژوازی وابسته رژیم سرپرده شده قرار گرفت. روز بروز، روحانست زندگی اقتصادی - اجتماعی آنها فروزمی شد. خسرده بورژوازی شهری نیز بارشده و گسترش مناسبات سرمایه داری وابسته، گام به گام بطرف خانه خرابی سوق داده می شد. خرده بورژوازی سنتی زیر شدیدترین فشارهای سرمایه های مالی و وابسته به انحصارات بین المللی و بورژوازی وابسته قرار گرفته بود. خلاصه تمام توده های زحمتکش و خلسیق ستمدیده ایران با ناهم مختلف تحت ستم قرار داشتند. از این روست که دست به مبارزات قهرمانانه علیه امپریالیسم و پایگاه داخلی آن زدند. توده ها برخاستند تا سلطه امپریالیسم را براندازند و سیستم سرمایه داری وابسته را درهم گویند و زندگی بهتری را برای خود تأمین کنند. آنها در سرگونی رژیم شاه سرنگونی حاکمیت امپریالیسم و بورژوازی وابسته را می دیدند. آنها فکرمیکردند که پس از سرنگونی رژیم ما برقراری جمهوری اسلامی منافع آنان تا مین شده و این جمهوری همان جمهوری ایدئال آنان است. اما اکنون آقای رجائی این توقعات را کاذب می نامد و چه گسائی جز ناپسندگان سرمایه داران ایران

بفرود آواز میدهدند که اسپن خواستهارا "توقعات کاذب" بنامند.

آقای رجائی که از روش مبارزات توده ها و طرح خواسته های واقعی شان بوحشت افتاد است. می گوید "ما از این نظر کارمان خیلی مشکل است. باید این حرکت را هر چه زودتر به حرکت ایدئولوژیک برگردانیم". البته آقای نخست وزیر درست تشخیص داده است. چرا که کار او خیلی مشکل است، چرا که توده های ستمدیده کشور را دیگر با سانی نمی توان فریب داد. آنها طی چند سال اخیر آگاهی های فراوانی کسب نمودند و تا کتب نهائی خواسته های واقعی خود به مبارزات پیگیر و بی امان خود ادامه میدهند.

اما آنان گاه در دورنچ مردم خیرندارند حق دارند که خواسته های واقعی توده ها را "توقعات کاذب" بنامند و بگویند "من این خط را صحیح نمی دانم" خط آنها با خط زحمتکش فرسنگها فاصله دارد.

خط توده ها همان خط ضد امپریالیستی و خط رجائی و امثالهم خط دفاع از سرمایه داران است.

منظور رجائی از تبدیل حرکت توده ها به حرکت ایدئولوژیک چیست؟ تلاش در به انحراف گسائیدن مبارزات واقفان امپریالیستی توده ها نیست. او باید به فریب توده ها متصل شود و بر تضادهای طبقاتی سرپوش بگذارد تا موجودیت سرمایه داران و همه استعمارگران را حفظ کند.

رجائی با طرح این مسئله که "در رژیم گذشته این چیزها تا مین بود" نه تنها ب تطهیر پروری رژیم ضد خلقی و سزور شاه می ریزد بلکه سگسنان او انسان را بیاد استدالات

"لیبرالها" می اندازد که اشکال رژیم شاه آنها در دیکتاتوری عنان گسیخته و میدیدند و به مین علت منتقد بودند که شاه با سلطنت کند نه حکومت در حقیقت برداشت رجائی نیاز حکومت شاه اساسا همان برداشت "لیبرالها" است، منتهی با این تفاوت که لیبرالها بجای "دیکتاتوری شاه" با اصطلاح "دمکراسی" شاه را طلب می کردند ولیکن به عقیده رجائی رژیم شاه فقط فاقده مکتب بود. مکتب رجائی در جای دیگر مطرح می کند "مکتب حکومت نیست مسئله مکتب است" (جمهوری اسلامی ۵۹/۶/۱۹)

واقفیت غیر از اینست. مسئله هم حکومت است و هم مکتب. "مکتب" آقای رجائی تنها وسیله ایست برای حکومت کردن بر توده ها و بدست آوردن نقش بی رقیب در قسدرت سیاسی، "مکتب" او تکیه گاه اخلاقی و توجیه موجودیست اجتماعی طبقه حاکم است. آقای رجائی "مکتب" را مستحک قرار داد و می گوید که بدین طریق به عملگردها، استعمار و غارت طبقه حاکم مشروعیت بخشد. او وقتی گاه "مکتب" صحبت می کند تنها میخواهد نباتات اجتماعی طبقه سرمایه داران تا مین کند. توده های نا آگاه را بر آن دارد که از رضایت خاطر سلطه حاکمیتی را بپذیرند که مکتبی است. حفظ سهم سرمایه داری بنام "مکتب"، سرکوب توده ها و نیروهای انقلابی بنام "مکتب" نامشروع، اختناق و سلب حقوق دمکراتیک و آزادی سیاسی توده ها بنام "مکتب"، این است جوهر حکومت "مکتبی" آقای رجائی. این است ماهیت حکومتی که داعی جانب داری از توده های زحمتکش را دارد.

رئیس مجلس و...

حکومت پاکستان که جزو مز دوران و سرسپردگان امپریالیسم آمریکاست، خود نوعی از "مکتب سازی" و "مهراسی" با امپریالیسم آمریکاست. حال مردم از خود می پرسند که پس دعوی حزب جمهوری اسلامی و آقای قطب

زاده بر سر چیست؟ این حزب که زمانی، در مقابل افشای گریه های خروشان و انقلابی با حرارت خاطر از قطب زاده دفاع میکرد و طواری های پشتیبانی برای او تهیه می نمود چرا که اکنون با تمام قدرت بر علیه وی تبلیغ می کند؟ حقیقت این است که حزب در

بی آن بود که قطب زاده را به عامل چرائی سیاستهای خود بر علیه لیبرالها تبدیل کند، (درست مانند آنچه که در رابطه با احمد مدنی مورد نظر بود) اما هنگامیکه در جریان دست یابی به این هدف دچار شکست شد با تمام قوا برای طلب قدرت از وی گوسید. اکنون سخنان هاشمی رفسنجانی نشان میدهد که خلاف "حزب با قطب زاده بر سر خطوط اصلی سیاست خارجی حکومت جمهوری اسلامی ایران نبوده و نیست بلکه آنچه با عبت

ند حزب جمهوری بر علیه قطب زاده وارد عمل شود، قدرت گیری حزب و نوسان قطب زاده بسوی لیبرالها بود. گفته های هاشمی رفسنجانی یکبار دیگر نشان داد که انقلابی نظامی و جرنجالی های تبلیغی روزنامه جمهوری اسلامی درباره مبارزه ضد امپریالیستی و سیاست خارجی (بویژه درباره هیا هوهر علیه شرکت حکومت جمهوری اسلامی در کنفرانس کشورهای اسلامی در اسلام آباد پاکستان) صرفاً نشانه آزادی اظهار

عقیده دو بیان! بود است و نه مواضع رسمی حکومت جمهوری اسلامی ایران!! آری بنظر حزب جمهوری اسلامی، از یکسو باید بر علیه با اصلاح دو ابر قدرت "امپریالیسم آمریکایی" اقدام نمود و از سوی دیگر با مزدوران محلی وی، نظیر زبیرال ضیاء الحق، "همکاری" نمود. چنین است مفهوم واقعی شعار "نه شرقی و نه غربی" حاکمیت کنونی. البته اینهم نوعی خاص از مبارزه با امپریالیسم است!!

سود ویژه که قسمتی از دستمزدها کارگران است پرداخت باید کرد

نامه جمعی از کارگران آگاه و مبارز امروز چند سؤال از "کمیته مرکزی"

سرکوبی و قتل عام خلق کرد و صرف بودجههای سنگین برای این موضوع نمی رود آنها را سرکوب کند و چرا کارگران و عمالکشان باید این کار را بکنند که در کاره ۷۰ نوشته یاد کارگران ابائی از مقابلها مثال بختها رو غیر موثر ندارند.

بله ما ابائی نداریم ولی مگر دست هیئت حاکمه بهمه بنداست و آرتشوپا سداران و غیره ما صرف این همه بودجه همکار میکنند؟

بله کارگران ابائی از مبارزه با نوکران امپریالیسم و خود امپریالیسم ندارند ولی آنرا برای مرزها نمی بینند آنرا در کارخانه، در شهر...

در استناداری، و در کارهایی می بینند چرا هیئت حاکمه (انقلابی بقول شما) مبارز نمی کند تا به حال هر چه کرد ما سرکوبی خلق کرد و ترکمن و عرب و کارگران بیگانه را حمله می کند اینها هم با بریدن زندانهای طولی مدت برای کارگران پولاد و تجار و حرفه ای دخطر در آهواز و آنگاه حلال دانستن و خلاصه از آن عمل ضد خلقی دیگر همه در جهت تقویت امپریالیسم و دشمنی با سوسیالیسم بوده و حال چگونه شما می توانید ما را تشویق به پشتیبانی از آن بکنید؟

چرا ما فدای خود و حتی نتیجه آنرا انتشار ندادید چرا باید حزب خود را در دسترس پیدا کند ولی هواداران صادق سازمان از آن بی اطلاع باشند؟

چرا شما با ما بندگان بورژوازی که دستشان تا آرنج به خون خلق آغشته است از موضوع سازشکاران سرزمین مذاکره منتهی و چرا متن آنرا باید بهشتی در روز ناما می چاپ کنید و آنهم بقول خودتان متن تعریف شما می را ولی هواداران از آن بی اطلاع باشند؟

وبالآخر چرا شما که کمیته را خود میورزوانی و خلقی میباید با سران جمهوری اسلامی و کمیته مرکزی خائن حزب توده و هیئت و هیئت اندنولوژیک حول محور المراسید ما بدست از سر جنبش کمونیستی بر نمی دارید. (کما اینکه حزب توده در بیانیته شماره ۴ گروه برای برتری در ۷ بهمن ۷ نوشته گفتند که نوری در پریش و با سخ شاعر ۷۷ ما مذاکرات مستقیم و غیر مستقیم با شما خواستار آن بودیم است) و حداقل با شما است از مواضع فرصت طلبانه خود پشتیبانی نمی کنید فدائی که در سکوت مطلق حکومت ساواک، الحاح بدست از خلقش دفاع میکنند نمی تواند دارای چنین موضعی باشد. نبود شما در جنبش کارگری باور کنید و فایده آن است. البته ایمن موضع.

نا بود ما با پورتونیسیم و روزیونیسیم از جنبش کمونیستی ایران و جمهوری ایران زند میا در حرکت انقلابی و اصلاحی مارکسیست لنینیست ها در آهواز با دهر جم خونخواران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱- چرا از بعد از گرفتن سفارت شازمرگ بسرو امپریالیسم به سرگردگی آمریکا و وابستگیان داخلی و بیطرفی آمریکا بر امپریالیسم به سرگردگی امپریالیسم آمریکا تبدیل شدن و وابستگیان مگر رفتارند؟ و آیا شاید در پیشگاه ما مام تو بگردانند؟

۲- چرا اول از بازرگان پشتیبانی کردید ولی بعد مرتب ما را با فشارهای او و دولتش رهنمون می نمودید و بالاخره مفرق بازرگان و بیونی صدور در چینه می بینید؟

۳- با اینکه شما امروز پیدا نند که شعار مسرووف بنی صدر تولید بیشتر مبارزه ضد امپریالیستی است (این شعار مورد تائید شما هم هست و هم چنین مورد تائید بیشتر پشیمان می تمام سرمایه داران جهان و موجب رشد سریع آنان) و مدافع سرسخت قلع و قمع خلق کرد و ترکمن و هر صدای حق طلبانه تحت نام امنیت ملی و مخالفان شوراهای کارگری که تنها نصیب باقیانده از انقلاب برای کارگران است و همچنین مدافع تزار تاجایی و منحنط همچنان می باشد چرا اگر این فرد بورژوازی نیست لابد کارگر بسوزان است و خلاصه ما توجه به ساخت جامعه ما کسرو ما پیداوری وابسته است آخر کارگر تولید بیشتر بکنند که هیچ کس برود و این چگونه میبازره صدا امپریالیستی است؟ تازه تعصبت کدام سیاست اقتصادی؟ بکنند شما نیاستهای اتخاذ شده از جانب هیئت حاکمه و سوسیالیستی می بینید؟

۴- علیه غیر این بنگال و آندی طرح شعار پیش به سوی تشکیل حزب (البته حزب واقعی نه ما نیست حزب توده و نه چمران) حتی بکنند در جهت تحقق آن برنداشته اید؟

۵- چرا برای شرکت در مبارزه حق طلبانه خلقی کرد خواستار شرکت مخفی سازمان بودید و حالا چرا خواستار تسلیم بی قید و شرط؟ بالاخره ما بین مبارزه با حق بود یا نبود اگر بوده چرا اینگونه برخورد میکنید و اگر نبوده چرا شرکت کردید.

۶- در این و آخر و هر امر خواهی با این جنگ برابر گئی (حالی است که در دهای شهید ما نمی دانستند که در مقابل برای وظیفه نژاد و برادر چمران این ما بندگان بحق امپریالیسم استاندند و الان می ایستادند و لذا حالا باید بقیه را بر حضور داشته باشند و گالیان است آن مارکسیستی که بورژوازی خوشحالی آید) از جانب شما از طرفی جنبش از خطر بختیاری و لیبزبان و غیره می سراید و از طرفی هم باور کردنی نیست که شما بدون درک وضعیت کردستان در آنجا دست به عمل زده اید حال این سؤال پیش می آید که این آقایان که اینقدر برای جنبش ما خطر دارند کی آمدند. از قبل از جنبش حق طلبانه خلق کرد آمدند در آن ناحیه با بعد از آن اگر از قبل بود ما ندیدیم چرا در این مدت صحبتی نبود و اگر بعد از آمدن شما چرا شما گفتید اگر هم خطرشان خارج از مرز است چرا هیئت حاکمه عوض

رویا آوردن بخش قابل توجهی از پولتاریای آگاه و انقلابی بسوی سازمان خودشان برای کسب رهنمون و آرزو و آرائیسر همنوودستان به مقصد تقویت جنبش انقلابی و عزیزی کسوفین اپورتونیسیم است، باز دیگر گفتار آن کارگر کپیرو پولتاریا، اینک کپیرو ایدهن میا ورد که گفته بود: "هر کجا اکثریت کارگران آگاه در پورا استون تصمیمات دقیق و صحیح گرد آمده بودند آنجا هیئت وحدت عقیده و عمل وجود دارد، آنجا حزب نیست و حزب وجود دارد. هر جا دیدیم کارگران انحلال طلبان را از مقام خود معزول نمودند و ما دیدیم نیم دو جنبی از گروههای عقبه خارج مدت دو سال بهیچوجه ارتباط خود را با جنبش وسیع کارگری روسیه ثابت نگرداند، شما نجا بریفانسی و انضباط طلسم حکمفرماست."

(شفر و وحدت در پورتاریا دهای وحدت طلسمی) مجموعاً نارسه ۲۲۷

شما نمی بینید همین توجهی از جانب "کارگران آگاه" بسوی سازمان خودشان تا به امروز است که از "طرف جمعی از کارگران آگاه هواز" برای مسیاً فرستادند ما است. اکثریت کمیته سرکوبی! بعد از اعلام مواضع فرصت طلبانه خیرتسان و تبلیغ زیرکانه مواضع حزب توده در بین ما کارگران و هواداران که شما دقایق چشم امید به شما داشتیم و امیدوار بودیم که این سازمان است که دیگر چراغی است فراسوی امپریالیسم و ما را راهنمای صدیقی در جهت بهتیه چمران و نین مبارزات کارگری ما، تا اینکه تدریجاً شما جنبی کینه کینه بکار بردید و خواستید با استناد ما را اعتبار شهیدای بخون خفته و جاوید سازمان و با تکیه بر نا آگاهی و صداقت اکثر هواداران، افکار و مواضع اپورتونیسیتی خود را ترویج و بکار دیگر مبارزات ما را با نعره های بیرید چنانکه هربران خائن حزب توده ما بردان ما در سالهای ۳۲ کردند و اینجا بود که ما با تغییر موضع شما وعدم توانایی در پاسخگویی به خواستها و مسائل مهم جنبش، بکار دیگر در چار سرور گمی شدیم تا اینکه خط انقلابی و راستین سازمان یعنی انقلابیست اعلام مواضع کرد (گویا اینکه مریلی دیرولی بالاخره این کار را کرد) لابد تعجب میکنند از اینکه ما انقلابی را خط انقلابی سازمان میدانیم باید هم تعجب کنید چرا که ملاک ما مانند شما اقلیت و اکثریت نیست بلکه آنچه ملاک انقلابی بودن و توان رفتن این مسیر پر پیچ و خم است کیفیت است و نه کمیت. نشان دادن راهی است که باید بقطعه صمود کرد در آن راهی که به تدریج سازشکاری منتهی شود هر چند که از انضباط شما خوشحال ولی تا همین جا هم ضرباتی از شما متحمل شد ما می کنباید همیشه و کارهایی باید میکردیم که تحت رهمنو دهای شما نکرده اید. بهر صورت این ناممکن است که ما به جهت می نویسیم که تا زمان شما دو قسورت و نیم تا نیم باقیست و خط انقلابی سازمان را چپ و رو و غیر می نامید و لذا برای نشان دادن مواضع اپورتونیسیتی شما هم مواضع تا را بصورت سؤال مطرح می کنیم و از شما می خواهیم که به یک یک آنها پاسخ دهید بهما بلکه به جنبش کارگری.

تعطیل دوروز در هفته گامی در جهت تأمین رفاه کارگران و لازمها ارتقا، آگاهی آنان است

پاسخ به سئوالات

۱- یکی از رفقای نویسنده با توجه به اینکه در شرایط کنونی رژیم به سران خود نادم بوده و سبب بحران کمپانی است در روزنامه کار میسر به شرح وضعیت عینی بود ما برداشته می شود و سبب برای مردم سوال طرح می شود آیا حکام این سئوالات در دهی بود ما نیز وجود دارد ما باید تلاش کنیم برای توده ها پاسخ مشخص در مورد سئوالات آسان ارائه دهیم. در این مورد رفیق به کار و عصبه ما تار می کند: نامین توری تجهیزات ارتش از امپریالیستها برای چیست در آن طاقه سدی ارائه شد و سوال سه "آیا دولت در صدد تاسیس زنده و هواسنهای توده ها است با بار هم در صدد تجهیز ارتش" رفیق می گوید مردم می دانند رژیم در صدد تجهیز ارتش است. انصافا در رفیق بماند ما قابل پذیرش نیست. دولت همواره همدردی از این قبیل را از توده ها پنهان ندارد. انصافا این امر برای مردمی که یکسال و نیم پس از انقلاب هنوز به هیچک از خواسته های اساسی خویش دست نیافته اند خود یکی از وظایف اصلی است. به علاوه اگر سوده ها سران امروا فتنه پس چه برهی سبب به حاکمیت دارند کدام توهم باید زد و نشود.

۲- یکی از رفقای در مورد شمار صفحه اول کار ۶۶ با تمام توان خود از نیروهای انقلابی و صف امپریالیست دفاع می کنیم "انتقاد داشت بدینصورت که شاعر فوق کلی است و ما بدون مشخص کردن پایه طبقه نمی نروها نمی توانیم شمار فوق را مطرح کنیم. ما این شمار را مشخصا در ارتباط با مقاله همان صفحه و در برخورد با حاکمیت که با طرح امپریالیستی ۱۲ تیر ماهی داشت تعصب عنوان مبارزه ضد امپریالیستی، سازمانهای انقلابی را صعود حمله قرار دهد و وقتی حزب جمهوری اسلامی مطرح کرد ما هم همچنین در مقالات ترویجی کار مفهوم مبارزه ضد امپریالیستی نیز مطرح شد ما ستیملا و تریزل و نا توانی خود به روزی در پیترود این مبارزه و لزوم اعمال رهبری طبقه کارگر برای مبارزه قاطع علیه امپریالیسم نیز همواره مطرح شده است. رفیق می پوسنه اگر متفکریم مبارزه ضد امپریالیستی جدا از مبارزه دمکراتیک نیست چرا و از "کپاره" ضد امپریالیستی -

دمکراتیک و ایگاری بریم و چرا و از "مبارزه ضد امپریالیستی" را به تنهایی بکار نمی بریم؟ پاسخی خاصه نشان کنیم که انقلاب ما انقلابی است دمکراتیک با خصلت ضد امپریالیستی و مبارزه بسرای حقوق دمکراتیک و همگنان از اهمیت بسیاری برخوردار است و ناگفته بر تفکیک نا پذیر بودن مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دمکراسی کاملاً درست است ما در مقاله ای در کار این مسئله را توضیح دادیم. لیکن تاکید سازمان بر اضافه نمودن و از دمکراتیک بر و از ضد امپریالیستی تاکید است بر پیوند مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه برای دمکراسی. از جانب دیگر امروز با تریلیت ها با تحریف مضمون مبارزه ضد امپریالیستی ایندی را از هم تفکیک می کنند و حتی آنها را در تقابل با هم قرار می دهند تا جایکه به عمق آن مبارزه توده های چریکها را نامین حقوق دمکراتیک خویش و ملینه خلفهای تحت ستم برای تحقق خواسته های دمکراتیک شان مبارزه "ضد امپریالیستی" را تصحیف می کند و میا امروز شرایط شرایط خاص مبارزه طبقاتی همعا دعای مبارزه ضد امپریالیستی می کنند. گمانی نظیر مدنی، چمران، فلاحی، سران حزب جمهوری اسلامی، بنی صدر... در حالیکه به دمنی انقلابی دمکراسی بر خاسته اند، خود را مبارزه ضد امپریالیستی می خوانند. لذا برای آنکه صف نیروهای واقعا "ضد امپریالیست" را از نیروهای که در حرف و به دروغ ادعای مبارزه ضد امپریالیستی می کنند و اپوز تونیستها می که در جهت به

انحراف کشاندن مبارزه ضد امپریالیستی تلاش می کنند متذکر گردید. تاکید بر این جنبه تفکیک نا پذیری مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه بسرای دمکراسی ضروری است. این تعیین نمتهای در برابر مبارزه طبقاتی، تحلیل ها و ترویج و تبلیغ باید منعکس گردد، بلکه اگر این تعیینها بتوانیم در واژه ها می کنیم بر بسبب شارهائی که مطرح می کنیم نیز منجلی گردانیم، برای توده ها این تعیینها هر چه بیشتر آشکار خواهد شد.

۳- رفیقی در مورد مقاله کار ۷۱ رجائی می گوید: دولت آینده باید از سرمایه داران بزرگ بخواد در اعمال خود تجدید نظر کنند "انتقاد می کند که چرا چشم انداز آینده ترسیم نشده است.

ما می پرسیم آیا تیر همین مقاله بنوعی سمت گیری آینده رجائی را در بر ندارد و هنگامیکه مضمون رجائی را در مورد سرمایه داران و کارگران مطرح می کنیم و حمایت از سرمایه داران بیجان می کنیم نیز بتنگی چشم انداز آینده را ترسیم نکرده ایم؟ علاوه بر آن در سر مقاله کار ۷۲ این چشم انداز بطور دقیق تر نیز مطرح گردیده است.

۴- رفیقانکند داشته اند که چرا شرح حال رفقای شهید در روزنامه کار نوشته نمی شود فقط از آنان نام برد می شود. آیا چرا که سازمان هر ما به طور متوسط ۱۰ شهید دارد نوشته شرح حال همه رفقا بختری دی از روزنامه راضی بونا ندو برای سایر مطالب جای کافی نمی ماند.

۵- در مقاله "فحشا" از کدام سؤ رفیقی انتقاد کرد که چرا نوشته شده "فحشا" زانید منظم نام

هر چه به داری "است و باید ادامه طبقه ای مطرح میشد. مادر همان مقاله در ستون سوم، جامعه طبقاتی را مسبب فحشا دانستیم اما اینکه تاکید بر جامعه سرمایه داری شده بدلیل سیستم موجود در جامعه خودمان و بررسی مورد خاص و شرایط خاص کشورمان است.

۶- رفیقی از کار ۱۰۱ نقل قولی می آورد که گفته شده "نابندگان خرد به روزی از تازمانی که در خدمت بورژوازی حاکم قرار دارند جز وصف خلق محسوب نمی شوند" پس تفاوت نظر ما با کسب مرکزی چیست که آنها هم نباید از کشت خرده بورژوازی را در صف خلق دارند؟ تفاوت نظر ما با آنان در این است که کسب مرکزی خرد به روزی را در حاکمیت غالب و در صف خلق میداند اما ما معتقدیم که در روند مبارزه طبقاتی بر بخشی از نابندگان خرد به روزی است خبرالکند دست و معری سیاست های بورژوازی درمی یابند، ممکن است از حاکمیت جدا و بسه مبارزه آنان بر خیزند.

۷- رفیق م-ی با کد ۱۵۰۱ نوشته چرا عمل انشعب بخوبی توضیح داده نشده. ما در این مورد در شماره ۶۲ کار و همچنین در کتاب نامه طلیت بهمزگرت اختلافات موجود را به تفصیل بیان کردیم لازم است رفیق بخوبی در چیز منته توضیح بیشتری خواهد.

۸- انتقاداتی به مقاله "طب ملی" شده که چرا مقایسه وضعیت طب در ایران با کشورهای نظیر کوبا و ویتنام صورت نگرفته، در این زمینه کتابهایی در حال ترجمه است که بعداً ارائه خواهد شد.

چرا بطیبات های اتوبوس گران میشود؟

هنوز مردم تعاری را اگر هیران می دادند "برادری، برابری، حکومت عدل علی" فراموش نکرده اند، هنوز سر و صدای تبلیغات گوشه رانی را در بو و تلویزیون دولتی را که فرادی پس از قیام، خبر از آسایش و راحتی و از بس رفتن مشکلات مردم می داد و فرگوش خود دارند و وعده های سرخوین دولت را که زده (!) معانی شدن اتوبوس، آب و برق را می داد، فراموش نموده اند... کیفیت کویت دو برابر برمی شود، اجاره خانه ها چندین برابر شده و قیمت بطیبات های اتوبوس، هر روز بیشتر از روز پیش افزایش می یابد.

آیا واقعا دو برابر شدن قیمت اتوبوس "محدوده عشرت آباد" به نفع زحمتگنان این ناحیه است؟ یا برای هر کردن خزانة خالی دولت که می یارد میلیاردها پول نفت تاکنون نتوانسته است آن را بپردازد و یا علیحده در صیقل دادن صرف خرید سلاح مهمات جنگی می شود؟

هر روز که می گذرد کارگران و زحمتگنان شمارگرانی و تورم را که ناشی از ادامه حاکمیت سرمایه داران است، بیشتر برگرده خود احساس می کنند و بغایت حاکمیت به اصلاح ملی و مترقی "بیشتری برند.

کارگران و زحمتگنان!

با عریا نتر شدن چهره واقعی "دولت حامی مستضعفان" با تشکیل در شوراها و انجمنهای واقعی محلی برای بدست آوردن حقوق با اعمال شده خود اقدام کنید!

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران "شخص آباد مجیدیه" ۱۳۵۹/۶/۲۲

سرکوبگران خلق کسر دامن چریکهای فدائی ایران هستند



نظام اداری حاکم سیاستهای هیئت حاکمه

بقیه از صفحه ۱

فرم هیئت حاکمه می گردد. توده های آگاه و مبارز مهین ما با شناختی که از حاکمیت و تصفیه های قبلی آن دارند به خوبی میدانند که این لایحه نه در جهت دگرگونی نظام حاکم بر ادارات بلکه حمایتی است که تنها بر فرق گروههای مترقی و مبارز کارمندان جزء فسرود خواهد آمد و شکل جدیدی است از تصفیه عقیدتی که در آرزوی و پرورش و دانشگاهها بسیار دیدند است و اگر به عناصر چاپلوسی و فرصت طلب و فروختن خود دورگهاکان در نظام خویش باقی خواهد ماند.

نتیجه یکبار اجرای این تصویب نامه حاصل خواهد بیگاری عدل بر مادی از کار جز توپوستن آنان به خیانت بیگاران خواهد بود در حالی نظام اداری موجود که بشود مورد تنفر مردم است دست نخورد باقی می ماند.

تصویب لایحه شورای انقلاب اعتراضات وسیع را در اشکال مختلف در میان کارمندان ایجاد کرد و دست و شوراها کارمندان و کارکنان در وزارتخانه ها و دیگر موسسات دولتی با فشاری در دسترس آوردان برداخته اند. کارمندان مبارز و آگاه باید با تشکیل در شوراها و سندیکاهای کارکنان ادارات و طرح خواسته های خود از طریق این تشکله در ضمن همبستگی و هماهنگی با سایر تشکله های دمکراتیک، نظیر علمین، زنان، استعدادهای جوان و خواهستهای بحق خود دفاع کنند و در همان حال به مبارزه و افشاکاری علیه عناصر مترسورده و وابسته به رژیم سابق و عناصر ارتجاعی دیگر ادامه دهند.

آنها بهتر می شود با رطافت فرسایشی را به توده های زحمتکش تحمیل کرده است. همه ساله هزینه های هنگفتی از درآمدهای ملی، یعنی از عمر کارگران و دیگر توده های زحمتکش، باید باین دستگاه انگل اختصاصی باشد. شرایط بحران اقتصادی حاکم بر جامعه ما هم گسیختگی سیستمی که جو داین دستگاه عریض و طویل را اجتناب ناپذیر می ساخت، دولت را به کاهش تعداد کارمندان ادارات واداشته است. اما هیئت حاکمه در اینجا بایک تیر و نشان میزند، از یکسور در شرایط بحران و ناتوانی خود تعدادی از کارمندان جز را به خیانت بیگاران می افزاید و در همان حال دست به تصفیه اشخاص کارمندان انقلابی میزند تا خود را از فرود نیروهای انقلابی در ادارات نیز نجات دهد.

در این میان یک مسئله دیگر هم مطرح است و آن خانه نشینی کردن زنان کارمندان است. اگر دقت کردیم ما شیم از مدت ها پیش در تبلیغات هیئت حاکمه روی این مسئله تاکید شده است که زنان باید مادران خوبی باشند "انگونی بی بینیم که با دو سر مکرر در کارمندان اضافه کردن ساعات کارمندان تا ساعت ۲/۵ یا ۳ بعد از ظهر می خواهند عملاً زنان را که مسئولیت بیشتری در قبال فرزندان دارند به ترک شغل خود وادار نمایند. حجاب اجباری و فشارهای دیگری که به زنان وارد می شود نیز در این رابطه معنی پیدا می کند. بدین ترتیب بشرطی رسد که زنان همراه با کارمندان جز انقلابی در زمان و اولین عناصر "زائدی" خواهند بود که مشمول تصفیه و

روبروست، و سوال اینست که اگر قرار باشد نظام دیوانسالاری موجود را که زائیده سیستم سرمایه داری است بر انداخت چه باید کرد؟ پاسخ این سوال روشن است.

حکومت های انقلابی که حل این مسئله را با نوبدی سیستم سرمایه داری وابسته فرد دستور قرار میدهند با دگرگونی مناسبات و ایجاد کارهای تولیدی عملاً نیروهای آزاد شده از نظام دگرگون شد و موجب گرهائی تولیدی می ساختند. دولت واقعی زحمتکشان که به هر هبری طبقه کارگر مستقر میشود با بسیج خلق نیروی در بند نظام دیوانسالاری را آزاد کرد و به نیروی فعاله تولید تبدیل می کند. پرواضح است که در چنین شرایطی این نیرو که مفود در دگرگون ساختن جامعه سهم می شود از چنین برنامه های استقبال خواهد کرد. اما بر عکس در جاهاییکه مناسبات سرمایه داری پسا برجاست امکان چنین دگرگونی وجود ندارد و بدیهی است که چنین حکومتی نه تنها نمی تواند سیستم حاکم بر ادارات را از بین ببرد بلکه حتی نخواهد توانست رفرم های محدودی در آن انجام دهد. انگونی بوضوح می بینیم حاکم کنونی که بر بستر سیستم سرمایه داری و وابسته گریست می کشد مناسبات آنرا دست نخورد باقی گذاشته و هیچ بلکه در جهت بازسازی آن قدم بر می دارد و نخواهد و نسبه میتواند سیستم موجود ادارات را دگرگون سازد؟

واقعیت ها نشان می دهد که سیستم اداری پیمان نحسوه گذشته به عملت خود ادامه میدهد و از نظر کمی نیز بسا افزودن شدن موسسات و نهادهای جدید این دستگاه ما هم رشد کرده است و به سیستم اداری غیر مکتبی "نهادهای مکتبی" هم افزودن شده است. اکنون این دستگاه عریض و طویل که از شر آثار زحمتکشان تغذیه می کند، روز بروز با مکیدن خون

نظیر کارمندان عالی رتبه، مدیران کل، معاونین، استادان و مطالبه شدیدا در مقابل مردم و جنبش آنها ایستادند و تا آخرین لحظات سقوط رژیم لحظاتی در خیانت به مردم و خدمت به سرمایه داران و رژیم شاه درنگ نکردند. پس از قیام مردم شاهد بودند دولتی که بر سر کار آمد نه تنها در جهت نابودی این دستگاه گامی برداشت (که البته نمی خواست بردارد، چون با منافع سرمایه داران در تضاد بود) بلکه بهر تعدادی چند از سیستمی آبروترین این افراد که ایستادند کرد و بیا کار گذاشته شدند. مجدداً بسیاری از همان افراد در اس ادارات و مقام های اداری قرار گرفتند، در عوض سیاست انحلال شوراها و کارمندان و تصفیه فضا لترین عناصر ضد رژیم شاه فاش و لکون خود را حاکمه می کشد که فرم خود را در ادارات با تصفیه نیروهای مترقی و انقلابی پیش بسورد.

تصویب نامه شورای انقلاب در مورد کاهش کارمندان "زائد" در شرایط بحران اقتصادی حاکم نیز به خوبی ماهیت اقدامات هیئت حاکمه را نشان می دهد یکی از خصوصیات بارز هر سیستم سرمایه داری وابسته و از جمله این ریزش سرطانی و انفجار گسیخته دستگاه اداری است. هر چند در سیستم اداری بطور کلی از خصوصیات جامعه بورژوازی است اما در جوامعی که سیستم سرمایه داری وابسته آنها حاکم است، این دستگاه اداری بنحوی می ساخته شده که طریقی آمار دولتی این آنگ رشد کارمندان اداری در هر حال بطور متوسط ده درصد بود است. یک چنین سیستمی نیروهای فعال جامعه را بسوی آنکه طرف کار تولیدی بسوی دهد، عمدتاً "در ادارات سرگرم می نماید و یک بازار مصرفی بیرون برای کالاها می پدید می آید. فراهم می آورد. با توجه با این واقعیت که ما به ما بسا آن

این دستگاه که طبقه سرمایه دار را بر او استوار نمودهای زحمتکش و هیئت انضباط دنگها سخن آنها بسیاری می رساند، همانند ارتش دستگاه انگل است که طبقه کارگر و توده های زحمتکش در هر انقلاب خود در هم شکست می بخورد و با آنها دیگر نهادهای و ارگانهای جامعه سرمایه داری و طبقه خود فرامی بردند. شاهد بودیم که توده ها در قیام بهمن ماه بطور عریضی در جهت درهم شکستن این ارگانها حرکت کردند اما حاکمیتی که پس از قیام بر سر کار آمد از آنجا نیکو حفظ این دستگاه را با وجود دیت خویش مرتبط می دانست. هر حفظ و بازسازی آن گوشه و تنها زیر فشار توده ها، مجبور شد، که فرمهای ناچیزی در این دستگاه بیناید. هیئت حاکمه در این زمینه ها نند و زمینهای دیگر سیاست فریب و بی انصافیت کتاندن خواست مردم را به پیشه کرد و دست و می کشد تا رفاقتی توده های مردم را از ادارات دولتی و سیستم حاکم بر آنها به نحوی منحرف کرد و افراد، یعنی پاره های کارمندان را مشمول صرفی کند. تا بدین طریق سیستم اداری موجود را بهمان شکل گذشته حفظ کند. اما بسیار جالب است که سیستم دولتی نظیر با سخنوری به خواست مردم در این زمینه ها به چه شیوه های متوسل می شود. میدانیم که در آنها اوج گیری جنبش توده های انبوهی از کارمندان جز ادارات که با سازمان رژیم وابسته به امیرالایم خاتمه یافت قرار داشتند، به عبارات توده های زحمتکش بیست و دو همگام با اعتراضات قابل توجه خود، دست بیک سری افشاکاریها علیه رژیم شاه وارد شده حاکم شدند. نمونه بارز آن انتشار اسناد افشاگرانه کارمندان بانگها و انتشار لیست اشخاص کنندگان از، در باوربان، وزیر، وکلا، زورالها و تمامی دزدان تروتسکای ملی بود. اما در عوض رده های بالای سیستم اداری



در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید.

با انگاه بدنی روی توده ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشیم

ماهیت جنگ دولتهای ایران و

بقیماز صفحه ۲

«کمیته مرکزی» بدون توجه به این امر که کدام طبقات با این جنگ دا می‌زند، چه چیزی علت جنگ بود و چه اهدافی را دنبال می‌کنند، بدون توجه به سیاستهای این دو دولت در ماهها و سالهای قبل از جنگ و نیز بدون در نظر گرفتن تأخیری که این جنگ بر سیاستهای آنها در این دو دولت بر جای می‌گذارد، دفاع طلبی سوسیالیستی را تبلیغ می‌کنند و از همه می‌فان آگاه و مبارز می‌خواهند که به هر آنگاه سوسیالیسم را به رسمیت بپذیرند و بورژوازی توده‌های جهان را استقلال میهن دفاع کنند. ارتش آنها تنها نماینده نظامی و سیاسی الحاق طلبی رژیم ضد خلقی عراقی را با بدحکوم کرد اما مبارزان سیاسی دولت ایران در عراق و کسب نمودهای از جنگ سوسیالیسم را به رسمیت نمی‌پذیرند. آنها به سوسیالیسم که در عراق موضع تاریک‌ترین را نسبت به جنگ نگذاشته و در مورد آنها از سوسیالیسم سوسیالیسم نظر انداخته و سوسیالیستی سوق می‌دهند. چه خوب می‌گفتند که «جنگ نظراتان درک نمی‌کنند که جنگ ادامه سیاست است» و در نتیجه خود را با این فرمول محدود می‌کنند که «دین ما حقه» و «دین ما» دشمنی کشور ما را می‌داند و تحت تأثیر اقدامات، بسط و توسعه در آنکه چه دستاوردی از جهت حیوانات، کسب نام و مقامات بدان دامن می‌زنند و چه هدف سیاسی با آنها در جنگی که اکنون بین دو دولت ایران و عراق در گرفتار می‌بینیم و در دلار بطرفین حصار وارد آورد و هزاران نفر از توده‌های بی سلاح در آن کشته و زخمی شدند و بسیاری از آنها اسباب صحنه‌های در کشور رخصت هر دو کشور است. با این جنگ ارتش آنها باید نابود کنند. آنها باید به خرابیها، گزافی، سبها بورژوازی ایران و عراق و امپریالیسم جهانی از این جنگ سود می‌برند.

مبارزان در دلار هر یک از این جنگ با سبب انحصارات امپریالیسم سرورند. در این جنگ سوسیالیسم و سوسیالیسم و سوسیالیسم و سوسیالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم و بورژوازی ایران و عراق می‌برد. سوسیالیسم و امپریالیسم این کشورها افزوده می‌گردد. بورژوازی این دو کشور هم از شرایط جنگ و هم از شرایط پس از جنگ به جهت بین و جهت هر می‌گیرند و سودهای کلانی به دست می‌آورند.

بورژوازی ایران و عراق می‌گویند که با برانگیز شدن تاسوئالیسم تنگ نظرانده شمنی بین خلقهای ایران و عراق و عرب و عجم را برانگیزند. نیروهای انقلابی باید علیه سیاستهایی که می‌گویند مبارزه کنند. اما از این سیاستها و از این سیاستها علیه امپریالیسم و بورژوازی و سوسیالیسم حرف سازند و مبارزه می‌کنند. این سیاستها است پرولتاری و انقلابی سوسیالیستی است.

باید متوجه شویم که دولت بورژوازی کذب است. زمانی که منافعی ایجاد کند، با بورژوازی کشور دیگر می‌بویست میکند. می‌بویست می‌فرود شود و در آنها را سرکوب میکند. باید داریم که بورژوازی عراق خود دوران رژیم مزدور است چگونه برای سرکوب خلق کرد، ما رژیم شاه سوسیالیست کرد.

ما می‌گوئیم که جنگ دولتهای ایران و عراق، سبها و تنها در خدمت و نفع سرمایه‌داران دو کشور

و در این جنگ جهانی است، برتری طلبی رژیم سرور در منطقه به نظر می‌رسد. این رژیم سوسیالیسم امپریالیسم بورژوازی ایران و عراق است. رژیم عراق که می‌گوید که با اشتغال مناطق از خاک ایران بورژوازی ایران را وادار کند تا حاکمیت برتری طلبان عراقی را براند و در دو منطقه مرزی عراق و ترکیه نزدیک نزدیک به قسطنطنیه و بر مناطق حساس خلیج فارس بگذرد.

از سوی دیگر این جنگ منجر به تقویت امپریالیسم ایران شده است. هم اکنون جناح بنی صدر از موقعیت برتری درون هیئت حاکمه رخصت و رفاه یافته است. هیئت حاکمه اقدامات ضد مکتبک خود را گسترش داده است. نتیجه جنگ هر چه باشد بورژوازی وابسته ایران و امپریالیسم ارتش نفع می‌بردند. زمینه برای صدور سرمایه‌های امپریالیستی و خریدهای کلان از کشورهای امپریالیستی فراهم می‌شود. بازار بورژوازی رونق می‌یابد و سودهای کلانی نصیب آن میشود و از همه مهم‌تر این سوسیالیسم، سازمان یافته و سرمایه‌ها را به سطح از این جنگ سر بر می‌آورد. ارتش ضد خلقی که جمهوری اسلامی را نیز بگیرد و حاکمیت خود را در جنگ و وابستگی ارتش به امپریالیسم را بیشتر خواهد کرد. هم اکنون هزینه‌های کلانی صرف خرید تجهیزات نظامی میشود که منصفه بحیث امپریالیسم آمریکا می‌رود.

ما از هر دو دریایی که موجود است سوسیالیسم سرور کشور را گرفته‌ایم و همه به ستایش او می‌کنیم. می‌باید از نده توده‌های زحمتکش هند او می‌دهیم که تقویت ارتش ضد خلقی خلاف منافع توده‌های زحمتکش است. تنها امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته از تقویت این ارتش ضد خلقی نفع می‌برند. این ارتش همان ارتشی است که در دوران رژیم شاه به سرکوب توده‌های سرمایه‌داران پرداخت. ارتشی که هفده شهریور، سیزده آبان و ... را آفرید و تا کنون صدها هزار نفر از زحمتکش را به خاک و خون کشید است. در دوران رژیم جمهوری اسلامی، خلقهای ایران را سرکوب کرده است. چندی پیش طرح توطئه کودتا بنفع سرمایه‌داران بزرگ و استعمار را به قتل رسانید. در ماهیت این ارتش تغییر صورت نگرفت است.

ما می‌گوئیم بعضی تقویت ارتش باید ارگانهای توده‌های نظیر شوراهای تقویت کرد و به دست زحمتکشان پرداخت. تنها راه مبارزه با امپریالیسم و هر گونه تجاوزی تسلیم توده‌هاست. توده‌هایی که در برابر قدرت لایزال آنها پیشرفته ترین سلاح کارگزارانی خود را از دست می‌دهد. ما تنها جنگی را عادلانه و انقلابی می‌شناسیم که از جانب توده‌های زحمتکش برای آزادی، سوسیالیسم و وابستگی، بندگی و استعمار دامن زده شده است. ما هر جنگی را که حکومت نمی‌کنیم، ما در قبال هر گونه تجاوزی از جمله تجاوزات عراق، به سه تسلیم توده‌ها تحت رهبری ارگانهای توده‌های متشکل می‌روند. ارتش ضد خلقی به رهبری بورژوازی وظیفه نیروهای انقلابی ایران و عراق است که با سیاست مستقل خود توده‌ها را علیه سوسیالیسم بورژوازی و امپریالیسم رهبری کنند. نیروهای انقلابی عراق باید به گیرانه رژیم ضد خلقی ایران و عراقی عراق را فاش کرد و سوسیالیست به یاریزه علیه آن بزنند حتی چنانچه شرایط عینی آماده است جنگ را به یک جنگ داخلی علیه آن تبدیل کنند. اما در ایران که هنوز توده‌های سرور دم به حاکمیت اعتماد دارند هر گونه شعار تبدیل جنگ به یک جنگ داخلی ما چرا چو چاه و چوب روان است.

سیاست درست نیروهای انقلابی در ایران این است که در مسی اساسی ماهیت جنگ و حاکمیت توده‌ها و در شکل‌های خود نظیر شوراهای کمیته‌های محلی و دیگر ارگانهای توده‌های متشکل و صلح ساز تقویت و رهبری نیروهای انقلابی و ارگانهای توده‌های علیه هر گونه تجاوز و سیاست

توجه به این نکته داشته باشید که هر چه که در این جنگ در کارگاههای توده‌های ایران است.

رفقای هوادار!

با افشای ماهیت ارتجاعی جنگ، برای دفاع از منافع زحمتکشان میهن، به رهنمود های ذیل توجه کرده و به آنها عمل کنید:

۱. ضمن تبلیغ برای مسلح شدن توده‌ها تنها راه در شورش‌های انقلابی متشکل کنید و سیاست‌های هیئت حاکمه را (که مخالف تبلیغ توده‌هاست و حتی به مطلع سلاح مردم مبادرت می‌ورزد) افشا کنید.

۲. با تشکیل هسته‌های مسلح، بطور مستقل بدفاع مسلحانه از شهرها و مناطق جنگ‌زده بپردازید.

۳. با سازماندهی کارگران و زحمتکشان در هسته‌های مقاومت توده‌های در کارخانجات، کارخانه‌ها را به سنگ‌های مقاومت توده‌های تبدیل کنید.

۴. به منظور تهیه توزیع ایزاق عمومی و مسواک سوختی و ... کمیته‌های محلی را سازماندهی کنید.

۵. برای کمک‌رسانی به مصدومین و مجروحین جنگ، کمیته‌های امداد بپراکنید.

۶. برای هماهنگی فعالیت‌ها و اتحاد سیاستهای درست، مراکز خبری و ارتباطی ایجاد کنید و با نیروهای انقلابی صمیمانه همکاری نموده و اتحاد عمل داشته باشید.

۷. اثرات زیانبار جنگ را از قبیل گرسنگی، قحطی، خرابی و سایر مصائبی که برای مردم بهار می‌آورد (برای توده‌ها توضیح دهید و به منظور دفاع از منافع زحمتکشان

**قطع فوری جنگ و برقراری
آتش بس و بازگشت نیروهای
نظامی رابه مواضع قبل از جنگ
وسیعا تبلیغ کنید.**

مفتشین جمهوری اسلامی و معلمین مبارز و آگاه

رژیم جمهوری اسلامی کسه بقای خود را در نا آگاهی و تصویق توده‌ها جستجو می‌کند، ناگزیر است بهر طریق جلوی رشد آگاهی آنان را بگیرد. برای استقرار "جامعه‌درد صدامی" غیر قانونی کردن روزنامه‌های انقلابی، توطئه برای تسخیر یا تعطیل روزنامه‌های مترقی، ایجاد جو خفقان، سانسور، دروغ‌پراکنی و تحریف حقایق در روزنامه‌های وابسته و سیاسی‌های جمهوری اسلامی کافی نیست. می‌باید بخیال خود، گمانال‌های محدود و مداوم تحت فشار ترس‌سازات انقلابی را از طریق دستگیری و حتی ترور فرستادگان ایستادن نشریات و بختی‌کنندگان آگاهان اعلامیه‌های سازماندهی کانونی و کمیونیتی و مکررات مسدود کند. حتی تلاش (مذبحانه) برای نابودی گروه‌ها و سازمان‌های مدافع زحمتکشان، رضایت خاطر سردمداران جمهوری اسلامی، رافراهم نمی‌کند بلکه لازم است افراد و عناصر آگاه و بالقوه یا بالفعل آگاهی‌دهنده نیز در کارخانه‌ها، ادارات، آموزشگاه‌ها، شور و پرویزش، از طریق هیات‌های پاکسازی با استفاده از شیوه‌های قرون وسطایی متعین عقاید از زمین بروند تا جامعه آرمانی کوتوال‌های قلمیسه ارتجاع و مستقیم طبقه‌ای، متعین گردد.

رژیم جمهوری اسلامی در "پاکسازی" گاوخانه‌ها، ارتش و ادارات، قبل از همه نابودی خطرناک لایه‌های نوادر نظرسنجی دارد در حالی که "پاکسازی" در آموزش و پرورش، عسلاوه بر نابودی خطر فوق، خصوصاً رفع خطر بالقوه‌ای، مورد توجه است. بدین معنا که بخیال خود می‌خواهد برای تسلط‌های آینده بر نامرئری کند.

جمهوری اسلامی پس از تعطیل دانشگاه‌ها، برای تکمیل "انقلاب فرهنگی" خود بسیار علاقه‌مند است که در راهی مدارس نیز بر مایه‌های ممتد و پیش‌گولانی، بنیاد دولتی از روی مصلحت اندیشی (مصلحت‌اندیشی) بظن

حفظ رژیم و نه بخاطر توده‌ها، فعلاً از این امر چشم پوشید ما ست زیرا با اینکار، علا و بهر پانصد هزار معلم و بیش از ده میلیون دانش‌آموز، خود را تقریباً با تمام جمعیت کشور بطور مستقیم درگیر می‌یافت.

حاکمیت برای "پاکسازی" معلمان آگاه و مترقی، از تعطیلات تابستانی و عدم حضور فعال معلمان و دانش‌آموزان بسیاری به‌شماره‌ها صدها تاجا عسلی‌اش استفاده کرد اما ست تا با مشکلاتی که در او اثر فروردین ما گذر شده در جریان "پاکسازی" دانشگاه‌ها بوجود آمده و کلک رسوا کنسی برایش بار آورده بود. جلوگیری کند. البته ترهبران جمهوری اسلامی بخوبی می‌دانند که کسه اخراج چند دهه از معلم آگاه و مبارز، در دوا و درمان نمی‌کند. شکل مطلوب "پاکسازی" برای رژیم، تعطیل دبستان‌ها و دبیرستان‌های سراسر کشور برای مدت یک یا دو سال است ولی کسه بدلیلی گفته‌شده، متاسفانه برای رژیم، چنین مانگنی وجود ندارد و ناچار است که به سیاست گام به گام متوسل شود. گام اول (که تا کنون برداشته شده) این بود که تا آغاز سال تحصیلی، خطرناکترین و مزاحم‌ترین معلمین (برای رژیم) را از صحنه مدارس دور کند و به‌ترتیب شیوه‌های که برای "شنا سانی" این افراد به‌بعضی عدلی طرا حسان پاکسازی جمهوری اسلامی رسیده است همانا شیوه‌ایست که دوران آنکیزا سون قرون وسطی یعنی از دوران مغول حکومت رهبران کلیسا در اروپا برای حاکمیت به ارث مانده است.

"ببینیم برای "پاکسازی" "سالم سازی" و "انقلاب فرهنگی" بروایت جمهوری اسلامی، چه نوع سوالاتی از معلمین بعمل می‌آید. هیات "پاکسازی" در آغاز از معلم می‌خواهد که بگوید: "سوکندی یا می‌کنیم ما دقانه جواب بدهم".

خواهند که کسب تصور کنند که سوالات "هیات پاکسازی" در رابطه با شنا سانی پارامای

معلمین که در گذشته با او آواک و رژیم منفور شاه همگاری داشتند. باید خوانند بر بلا فاصله از استخفا به‌دور آورد زیرا این مسئله ابتدا مورد توجه "هیات‌های پاکسازی" نیست و حتی یک سؤال در این زمینه عنوان نمی‌شود. کلمه سوالات مربوط است به شنا سانی معلمین مبارز و آگاه و طرفداران سازماندهی مترقی. کمیونیتی و نیروهای مترقی برای شنا سانی معلمین کمیونیتی یا طرفداران سازماندهی مترقی، چنین سوالاتی را عنوان می‌کنند: - در چند کلمه کمیونسم را تعریف کنید. - منظور از آید کولوزی ما و کمیونسم آشنا شدید؟ - چرا در روز وحدت از بهارستان راهپیمایی کردید؟ (در رابطه با دعوت سازمان چریک‌های فدائی خلق برای راهپیمایی بنظر سرف سگارت سابق آمریکا). - سوالات زیر بمنظور شنا سانی معلمین مجاهد یا طرفداران سازمان مجاهدین مطرح می‌شود: - آیا آید کولوزی مجاهدین چگونه آشنا شدید؟ - وقتی در باره اسلام مطالعه می‌کنید که خدا را تأیید می‌کنند و کمیونسم که خدا را نفی می‌کنند چگونه این دورا با هم می‌توانند مطالعه کنید؟

اگر معلم بدهد که نیست یا سنا سانی خود را عتراف کرد کارهای "پاکسازی" ساده می‌شود ولی در صورتیکه زانین جواب صریح خود داری نباید و وابستگی خود را یکی از نیروهای کمیونستی یا مترقی انکار کند، هیات "پاکسازی" به‌درد سسر می‌افتد و مجبور است که با طرح سوالات متعدد دیگر، در وهله اول سعی کند او را به‌تله‌بندازد و در غیبت سسر

انصورت، از روی جواب‌هایی که معلم بکشد سوالات می‌دهد سعی می‌کند که طرف‌داری را با عدم طرف‌داری و یکی از سازمان‌های انقلابی یا مکررات را بنوعی حد سوزند. در این رابطه به سوالات زیر توجه کنید: - چگونه با گروه‌های سیاسی

آشنا شدید؟ نظرتان را جمع بنام چیست؟ - چه گروه‌ها و احزابی بهترند؟ - چها ستقاداتی بر کتاب "اقتصاد بربان ساده" دارید؟ - سرکلاس چه بحث‌ها کنسی داشتید و راجع به چه مسائلی بحث میکردید؟ (از فردی که مسئول کتابخانه بود: شما بعنوان مسئول کتابخانه چه کتا بهای را به شاگردان معرفی می‌کردید؟ - نظرتان را جمع بگردستان چیست؟ گروه‌های ضد انقلاب در کردستان کدامند؟ بهتر تیب نام ببرید. - آیا بنظر شما بهتر نیست که یک حزب بخصوصی از انحصار طلبی دست بردار دود دیگر گروه‌ها هم فعالیت کنند؟ چه گروه‌هایی؟ بهتر تیب نام ببرید. - تا چها اندازه فعالیت‌ها سیاسی اعتقاد دارید؟ چها نقادانی به قانون اساسی دارید؟ اگر معلم واقعا یک فرد سیاسی و یا دارای تعالیات فلسفی انقلابی و مترقی نبود آیا اگر بود ولی مقاومت کرد و به اصطلاح بند را آب نداد، مفتشین جمهوری اسلامی، با بر سوسور داری از تره‌بریات بازجویان ساواک، نا امید نمی‌شوند و سوالات را بنحود یگرو زنا و یه‌دیگرو ولی هموار در تعقیب یک هدف یعنی دست‌رسی به اعتقادات سیاسی و آید کولوزی یک معلم - دنبال می‌کنند: - چه گروه‌هایی در خط انقلاب هستند؟ - راجع به سلام جمعیات‌های شما چیست؟ - راجع به سایر مرگاتب چیست مطالعه‌ای دارید؟ - بنظر شما فعالیت گروه‌ها و سازمان‌های مختلف، کدامشان برای جمهوری اسلامی مفید است؟ کدامشان مضرات است؟ بهتر تیب نام ببرید. - تا چهد خود را اسلامی می‌دانید؟ - نفع‌گشنو مساواک بلکه دقیقاً عبارت ساواک را بگاری برسد و ناند بازجویان ساواک، بدون هیچ‌شروع و وقاحتی، انقلابیون جان برک فدائی و مجاهد سسر دشمنان آشتی ناپذیر رژیم شامرا (به نقل از رهبران شان کسه معتقدند نا تنها فقط "چند نشفته در کردند")، "خرابکار" می‌نامند و برای اینکه با لاخوه به اعتقادات سیاسی معلم پس بی‌بوند از اومی پرسند: - قبل از انقلاب راجع به خرابکارها چه نظری داشتید؟ مفتشین جمهوری اسلامی اگر

باز به هدف مورد نظر خود نرسیدند از سر سختی معلم عصبانی می‌شوند. اول به‌دید می‌کنند و شیخ قطع حقوق دیگری را در مقابل چشماتش به‌ما می‌گذارند: - فکرمی‌کنید بچه‌دلیلی شمارا اینجا دعوت کردند؟ - اگر پاکسازی شوید چه دلیلی برای بردن آن دارید؟ - در صورت پاکسازی چه عکس‌العملی نشان میدهند؟ - بعد تهمت می‌زنند، دروغ می‌گویند تا شاید معلم را تسلیم کنند: - مگر بخشنا ما قاری جانیسی تبلیغ سیاسی را در مدرسه ممنوع نکردیم، پس چرا شما اجازه تبلیغ می‌دادید؟ - چرا در مدرسه به‌بگروه‌ها و سازمان‌ها اجازه فعالیت میدادید؟ - با به‌ها که به جلوسفارت رفید چرا شما را با بگردانندید؟ - و اگر از تبه‌بها اتهام دروغ‌گسی هم نتوجه‌ای بدست نیامد بازجویان ناگهان نرم می‌شوند، لحن عوض می‌شود، نحوه طرح سوالات هم عوض می‌شود، البته بدون اینکه یک لحظه زیر سسین به‌هدف اصلی که شنا سانی معلم است چشم ببوشند، در آغاز یک سلسله سوالات بظا سسر عادی طرح می‌کنند: - چومدرس شما چه فرقی با داننگاه داشت؟ - آیا قبل و بعد از انقلاب، عملی برکتب شده‌اند که حال پیشمان باشد؟ - آیا چه حد در رابطه با انقلاب کت کردید؟ (سؤال از معلمی که در ضمن دانشجوی است: آیا قبیلان انقلاب، در اعتصابات دانشجوئی شرکت می‌کردید؟ وبعد، خیلی دوستانه و خودمانی، با معلم به‌مشورت می‌نشینند و برای حل معضلات جامعه و مسائل مربوط به انقلاب فرهنگی و پاکسازی، از او نظر می‌خواهند: - برای سیدن به‌هدف‌های انقلاب چه توصیه‌ای دارید؟ بر نامه خدا قل شما چیست؟ - نظرتان را جمع به‌پاکسازی چیست؟ - اتفاقاً دیا پیشنها دی‌اگر راجع به پاکسازی دارید، بدهید. - برای انقلاب فرهنگی و به‌تر شدن اوضاع چه نظری دارید؟ مفتشین جمهوری اسلامی شنا سانی معلم به‌منشائی را مورد نظر ندارد و برایشان کامی نیست که فقط رویای مکارا را بقدر صفحه ۷

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش‌تاز مبارزات ضد راه‌پریا لیستی - ده‌گراتیک خاتمه‌های ایران

با کمکهای مالی

خود سازمان را یاری رسانید؟

رقبا، دوستان، هواداران

همانطور که اطلاع دارید، پس از انقلاب، کمیته مرکزی از تحول هرگونه امکانات به سازمان خودداری کرد. با توجه به اینکه گسترش فعالیت‌های هر سازمان انقلابی به کمک‌های هواداران و طرفداران آن سازمان بستگی دارد از آنجمله رقا، دوستان و هواداران می‌خواهیم که سارا از امکانات خود با طبعر کنند و بالاخص کمک‌های مالی خود را از راه‌های مطمئنی که مهیا است پسرای ما بفرستند.



بگوشیم

ماهیت حاکمیت و دارو دست‌های مزدور و وابسته به سرمایه‌های بزرگرا

افشا کنیم

و فرصت طلبان سازشکار کمیته مرکزی را از جنبش طرد نمائیم

مردم کی و ما را برنگردان... این سند مفکورد، غیر اخلاقی و ناپسندیده است... ماهیت حاکمیت و دارو دست‌های مزدور و وابسته به سرمایه‌های بزرگرا... افشا کنیم... فرصت طلبان سازشکار کمیته مرکزی را از جنبش طرد نمائیم... ماهیت حاکمیت و دارو دست‌های مزدور و وابسته به سرمایه‌های بزرگرا... افشا کنیم... فرصت طلبان سازشکار کمیته مرکزی را از جنبش طرد نمائیم...

Table with 10 columns: الف, ب, ج, د, ه, ز, ح, ط, ی, ک. Rows list various names and amounts, such as 'رفقای با بلور', 'رفقای با کلاس', 'رفقای با کلاس', etc.

در افشای "کمیته مرکزی" اپوزیونیست بگوشیم

این سند مفکورد، غیر اخلاقی و ناپسندیده است... ماهیت حاکمیت و دارو دست‌های مزدور و وابسته به سرمایه‌های بزرگرا... افشا کنیم... فرصت طلبان سازشکار کمیته مرکزی را از جنبش طرد نمائیم... ماهیت حاکمیت و دارو دست‌های مزدور و وابسته به سرمایه‌های بزرگرا... افشا کنیم... فرصت طلبان سازشکار کمیته مرکزی را از جنبش طرد نمائیم...

استقلال - گمار - گنگن - آزادی

خبرهایی از دوروز اول جنبش گدرخوزستان

شنبه ۱ مهر
در این روز حملات هوایی ارتش عراق شدت تازه ای گرفت این شدت تا (۲ مهر) همچنان ادامه داشت و در ساعت ۱۰ صبح (۲ مهر) باوج خود رسید. از صبح (۲ مهر) حملات هوایی عراق شکل جدی و درون مرزی بوجود گرفت. و در فاصله ساعات ۱۰ تا ۱۲ ظهر چندین نقطه آبادان بمباران شد. از جمله مناطقی که در این روز (۲ مهر) باران بمباران شد، پالایشگاه آبادان، لوله های نفت و گاز در منطقه بووارده جنوبی، مخازن نفت، بنزین، گازوئیل در منطقه (تانک فارم)، اداره آموزش نیروی دریایی، دو الفارمی بودند. در این حملات تا زمان درگیری تلفات جانی اطاعی در دست نیست، اما مصادقات عینی رفقا نشان میدهد که فقط در جریان بمباران آموزش و پرورش دقیقاً ۲۵ جسد از زیر آوار بمباران آورده شد. در حال حاضر (عصر ۲ مهر) بیمارستانهای طالقانی

لال احمر، شرکت نفت انباشته از محرومین است. مظلمین به مسائل نفت مار خسارات رایج پالایشگاه موخازن و لوله های نفت میلیارد ها تومان برآورد میکنند. با توجه به مصایب وارد به پالایشگاه حدود ۱ تا ۴ ماه فرصت لازم است کسه پالایشگاه کار طبیعی خود را آغاز کند در این ساعت (۵ بعد از ظهر ۲ مهر) تله های آتش از منطقه پالایشگاه لوله های نفت و (تانک فارم) بمباران زبانه میکشد و نهیمی از شهر آبادان را روشن گردانست. در بعد از ظهر ۲ مهر یک شورش وسیع در زندان آبادان بوجود پیوست در این لحظه (ساعت ۵ بعد از ظهر) زندان بمباران و نیروهای شهر بانی در آمدن است و تیراندازی های پر اکتفا می در اطراف زندان صورت میگردد. در این ساعت (۴ بعد از ظهر) شایع است که زندانیان موفق به فرار شده اند. جادما هواز آبادان (داوخرین) توافیک سنگینی

دارد (۱ مهر) مناطقی ذوالفقاری و بووارده جنوبی وسه عمدتاً از ساکنین خود تخلیه شد است و مسردم بسوخت شهر آبادان را به سوی اهواز ترک میکنند. در این ساعت (۴ بعد از ظهر) تمامی گارزهای آبادان معطوف مسافر است. کمبود بنزین این ازدحام را چند برابر ساخته است. از ساعت ۱ صبح شهسور آبادان تا عاصمگر بندی شد. برپائی این سنگرها عمدتاً از سوی نیروهای انقلابی صورت گرفت. مناطقی غیر و سیما و احمد آباد تقریباً در اختیار نیروهای انقلابی است و آنها همه جا حضور دارند. از سوی سازمان های انقلابی نخستین چسار امداد در خبا بان ا احداث آباد برپا شد. راديو آبادان تبلیغات مسعودی را علیه نیروهای انقلابی دان میزند و جهت رامتیم به شایع پر اکتفا و فرصت طلبی میکنند.

مناطق نفتی صورت میگردد - تودما برای خاموش ساختن حریق با آرگانهای دولتی همکاری نمی کنند و اساساً خود را بیگانه با ارتش و سپاه می بینند، چرا که باطنی ~~بر سر~~ حکومت جمهوری اسلامی توسط (ارتش و سپاه پاسداران) در خاطر نوده ها با قیست آنها در کفر نیروهای انقلابی قرار دارند. نکته دیگر این که ارتش عراق در آبادان به مناطق و پاسنگاطی نظامی حمله نمی کند (تا ساعت ۶ بعد از ظهر ۲ مهر) و عمدتاً حملات خود را معطوف به مراکز صنعتی (عمدتاً نفت) کرده است.

بولوتفا داده شده است. سازماندهی این فعالیت را سازمان ما به عهده دارد. ۲ بعد از ظهر ۲ مهر شهر کاملاً خلوت است هر کس برای خود پناهگاهی اختیار کرده عدای در خرابه های آشور و پرورش مشغول بردن اثاثیه و پروردن های این اداره هستند در این لحظه یک میگ عراق ظاهر شد و در اکت منطقه نامطمونی از آبادان (احتمالاً حده) میگوید. بلافاصله راديو آبادان اعلام میکند که یکی از میگها توسط ارتش ایران سقوط کرده است. پاسداران و ارتش هم هیچ کنترلی بر شهر ندارند قوا نیندی کفا آنها برای عبور و مرور در شهر وضع میکنند مردم علناً زیر پا میگذرانند و تقرباً هیچکس با آنها همکاری نمیکند. تمامی مسافران در این شهر شدن مردم خواستار صلح شدن هستند آنها از رژیم فوق العاده عصیانمند که آنها را مسلح نمیکند.

کسب از رفیق

مزارع برنج روستاهای اطراف رود سر بعلت کم آبی سوخت

کشت و زرع برنج، کار اصلی دهقانان گیلان است. امسال وضع محصول چندان رضایت بخش نبود زیرا اکثر مزارع به علت کمبود و نبود آب کافی سوخت و از زمین رفت. سوختن مزارع که در حقیقت سوختن تلافی و دسترنج دهقانان است در بعضی روستاها حتی بهشتاد درصد می رسد. زحمتکشان روستاهای گیلان امید داشتند که با سرنگونی رژیم شاه، فشارهایی که از سوی دستگاههای اداری مانند سازمان آب بخشداری و فرمانداری بر آنها تحمیل می شد از بین برود اما هنوز هم همان تنگناها و روابط پیچیده داری گریبانگیر روستائیان زحمتکش است. دست قارتگیز مینسداران و مالکان از زندگی دهقانان محروم قطع نشده، همساران متکبران روستائیان مانند کمبود آب و بدو کود و ماشین آلات و چاه و راه...

لا ینحل باقی مانده است. سوختن مزارع دهقانان رنجبر روستاهای گیلان در سال جاری نوعیهای برجسته در دناگی است از نظم و نسبی که به سوختن دهقانان محروم و وطنمان روا می شود. هنگام برداشت محصول برنج هوا داران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به بسیاری کشاورزان شتافتند. آنها می گفتند باور کردنش متکسر است که مزارع در گیلان از کم آبی بسوزند، گیلان سرسبز و حاصل خیز، این خسارت کشاورزان تنها نتیجه سهل انگاری و عدم رسیدگی دولت است.

ادارات و سازمان های ذریعست اقدام جامع وفاطمی برای روستائیان انجام ندادند. روستائیان به دلیل احتیاج مبرمی که به آب داشتند، با این تصور که جهاد سازندگی می تواند به خواست های آنها رسیدگی کند، به این نهاد متوسل شدند اما این نهاد به اصطلاحاً انقلابی هم با سر دو اندن روستائیان زحمتکش سرانجام آنها را به زاندا زمری حواله داد. زاندا زمری هم به گرفتن تقاضا نامه ی رسمی از روستائیان اکتفا کرد. دهقانان زحمتکش روستاهای محروم و سرزده تنها از شکل گم آبی و نبود چاه های عمیق اضطراری در منطقه استوسوه آمد مانند بلکه از آن توانسی حکومت در اقدام برای بهبود وضع کشت برنج و از دیا دایسن محمول خشمگین شده اند. دهقانان می پرسند: دولت چرا آفت های از قبیل کسرم

ما قهقار و سبز خوار و... را بطور قاطع از زمین نمی برد؟ چرا این کود های آمریکائی را که عامل افزایش کرم های خانمان برانداز هستند به کشتا و ریزان می دهد؟ چرا سم بدر بخوری نمی دهد تا ریشما بین کرم ها را بسوزانیم؟ چرا مشکل عظیم کم آبی را بر طرف نمی کند؟ چرا... هنوز دهقانان کمرشان ز نیروم های سنگین تعاونی و کشا و رزی با همان ضوابط دوره شاه، خم می شود. یکی از زحمتکشان روستائی می گفت: "مئل زمان شاهم یبند می پرسند چه گم بود دارید؟ می گوئیم مدرسه حمام، آب، چاه، زمین و هر چه که سالها به آنها احتیاج داشتیم آنها گوش می کنند و می نویسد می روند و دیگر هم پیدا یسان نمی شود. عین همان وقت... چند وقت پیش یک کسروه آمدند میزان سوخته مرا راک را تخمین بزنند، جانی را که پنجاه درصد سوخته بود

نوشتند ۴۰٪ و جانی را که ۸۰٪ مزارع سوخته است نوشتند ۵۰٪. تا زمان معلوم نیست کجای می به دهقانان خسارت دیده می دهند یا نه؟ زحمتکشان هر روز بیشتر به تو خالی بودن وعده ها و نظرفهای حکومت جمهوری اسلامی پی می برند و در کوران کار و تلاش سخت روزمره شان به وضوح در می یابند که این رژیم نمی تواند حتی نیازهای ابتدائی آنها را برآورده سازد چرکه به تحقق خواست های انقلابی و ریشما ی آنها هر روز بیشتر با این حقیقت می برند که تنها و تنها با نابودی و متلاشی شدن نظام سرمایه داری وابسته و محسوسرما به داران و زمینداران به دست توانای کارگران، دهقانان و زحمتکشان خواست ها و نیازهای آنها برآورده میشود.



زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

گراهی باد خاطره شهادای مهرمه

**با خون نشان
که رنگ شقایق
در گره و میش سمرقاهان است
ما پرچی می افرازیم**

**در پیش خلق
تا چون ستاره سرخی
در این شبان تیره نایب می
روشن کنده ره رهایی ما را**

مهرمه ایال چنانکه
ناهای دیگر - بسا یاد
رضای آغز میشو که بس
سرمهسان خوبین بسا دند
و جان در راههای شایقی
مدا کردند. اینان به ما
آموختند که تا پای جان،
در راه آرمان زحمتکشان
با جسم و هرگز تن به تسلیم
و سازندیم. اینان، از
میان خلق بر ما ستند و
سرای خلق، سینه خوشتر
سپر گلوله های دژ میمان
استند. دو مهرمه ایال
گردید. خاطره اینسان
که خونبار و جان بخشیم
جوش را در این عیاره
با جان خوشی برداختند
همیشه به یاد ما خواهد
آورد که در راه بسروزی
کارگزاران روزمستان به
سرمه سر ما، به راه دیگر

نرویم و هرگز با دشمنان
خلق سازش نکنیم.
در نخستین روزهای
مهرمه سال پنجاه و سه
فدائی خلق رفیق جنگیز
قیادی، رفیق محمد علی
با لیسور رفیق حسین سید
نورادی و درگیری بسا
پیش و با آگشاه بشیادت
رسیدند. رفیق محمد علی
با لیسور متولد ۱۳۲۵ در شهر
کرمانشاه بود و در فسیق
جنگیز تباری که در سال
۱۳۱۹ در روستای آبا شاگلا
(با بیل) بدنیآ آمدند کتای
خود را در رشته بزگی از
آبشار تهران گرفته
بود. و در سال ۴۷ با همروز
خوشی، فدا شد شهید شهوت
ایرا همی از و اواج گرد
و هر دو بیگانه چند روز
درگیری با عوامل مزدور

شورای انقلاب به حمایت از قشائی مزدور لایحه قانونی تصویب کرد!

وزارت دادگستری

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شماره ۱۰۴۰۵

دوشنبه سیزدهم اسفند ماه ۱۳۴۸

شماره ۲۷۴۴۸

۳۰۸/۱۱/۲۷

وزارت کشاورزی و عمران روستائی

لایحه قانونی راجع به املاک وراثت مرحوم اسمعیل قشائی و مرحوم
سهراب بهادری قشائی که در جلسه مورخ ۱۰/۱۴/۴۸ تصویب شورای
انقلاب جمهوری اسلامی ایران رسیده است بهیوست ابلاغ میگردد.

لایحه قانونی راجع به املاک وراثت مرحوم اسمعیل قشائی و مرحوم
سهراب بهادری قشائی

ماده واحده - بانوجه، ملزوم حفظ حقوق ایلی افراد و رعایت اصل تساوی
مردم در برابر قوانین و رفع انزاد سقرات خاص تمیز آمیز متدرج در ماده
واحد مورخ ۳۸/۱/۱۶ و ماده ۳ قانون اصلاحی اصلاحات ارضی مصوب
۱۰/۱۰/۴۰ و آئیننامه مصوب ۱۰/۹/۴۹ و قانون مصوب ۴/۳/۴۰
که در رژیم سابق بمنظور جلوگیری از اقامت و کار وراثت مرحوم اسمعیل قشائی
در استانهای فارس و اصفهان و معروفیت آنان از حق داشتن مالک مزرعی و

در روزی که رسمی جمهوری
اسلامی، منتهی گردیده
است که خودگویی شرح
واقصت است.

این واقصت را از یک
طرف مواضع ما را که دام
سرای افشاء انگونسه
عنا صر خود فروخته تلاش
کرده و همواره خواستار
تقلیب و مجازات عمال
و وابسته رژیم گذشته
بوده ایم. نشان میدهد و
از طرف دیگر ما همیشه
طبقاً نسبت به سوان جمهوری
اسلامی و تعلقات آنان
را به عدالتیون در صحت
نشان میبگذارد. با بسند
در اینها با آوری کنیم
که ایی جا نباید آنگار
از طرف سوان جمهوری
اسلامی، در صحت صورت
میگرفت که زحمتکشان
روستا های فارس همیشه
این خوانین چپا و لگن
ظلمت را بر سر ما بردند و ما
به هر داری از زحمتکشان
قشائی، این مزدوران
را افشاء می نمودیم.
رغم عیاره طبقاتی
برده از بسیاری از اقلیت

در میان مردم آگاه
کمتر کسی هست که سام
منفاشی ها را بصورت
ما لگن سوزگ و خوانین
زورگویی فارس نشان داد
ما برای خسرو قشائی کسی
(سایبند مجلس شورای
اسلامی) این سر سردم
نا و ما مل امیر با لیس
را ستند با شد.

سال گذشته که "شورای
انقلاب" سنا به عالیترین
ارگان جمهوری اسلامی
وفتی امور کشور را بچند
دانش سنا به تعلقات
تا رسمی و طبقاً خود،
رستموان "لزم حفظ
حقوق اساسی افراد و
رعایت اصل تساوی مردم
در برابر سرفروا نیست!!
انحسار و حراستان
ما لگیت بی عدولت
دخه ای را بصورت بان
گرمی اراضی مشمول
اطلاعات ارضی (که با سنا
مسلط به خاندان قشائی
بود) تصویب گرد و مورد
اعرا گذاشت.

شدی را که مفا هده
سکسید. او خراسان گفته

نایب دبا د امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی